

درآمدی بر مسئله فساد

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره تالیفی: ۱۴۵۴۲

آذرماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	فصل اول - کلیات.....
۴.....	بررسی فساد از نظر لغوی و اصطلاحی.....
۴.....	روش مبارزه با فساد.....
۵.....	راه‌های مبارزه با فساد.....
۷.....	علت ایجاد فساد.....
۷.....	سوءاستفاده دشمن از عناصر فاسد داخلی.....
۸.....	مبارزه با فساد، اولویت کاری نهادها و قوا.....
۹.....	آینده‌پژوهی و آینده‌نگری در مبارزه با فساد.....
۹.....	فصل دوم - جایگاه مفسدین در کلام الهی.....
۱۱.....	فصل سوم - رفتار حضرت پیامبر (ص) و سیره حضرت علی (ع).....
۱۱.....	رفتار حضرت پیامبر (ص) با متخلفین.....
۱۲.....	سیره امام علی (ع) در مبارزه با فساد.....
۱۴.....	فصل چهارم - شناخت زیربنایی فساد.....
۱۴.....	شناخت زیربنایی فساد و فساد سیاسی.....
۱۶.....	فصل پنجم - مصادیق فساد.....
۱۶.....	مصادیق فساد اداری و مالی.....
۱۷.....	تعریف فساد اداری.....
۱۷.....	سوءاستفاده اداری.....
۱۷.....	انواع فساد اداری.....
۲۲.....	فصل ششم - مصادیق فساد از نظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.....
۲۲.....	مصادیق فساد.....
۲۴.....	فصل هفتم - شاخص‌های کارگزاران نظام اسلامی.....
۲۴.....	شاخص‌های کارگزاران.....
۲۶.....	فصل هشتم - وظیفه سیاستگذاری و نظارتی در مبارزه با فساد.....
۲۶.....	ریشه مفهوم نظارت.....
۲۶.....	نظارت در حکومت و چارچوب شناخت مبارزه با فساد.....
۲۸.....	وظیفه سیاستگذاری در مبارزه با فساد با چه کسی است؟.....

۲۸.....	وظیفه نظارتی مجلس در جلوگیری از بروز فساد.....
۲۹.....	فصل نهم - جرم‌شناسی فساد.....
۲۹.....	جرم‌شناسی.....
۳۱.....	بررسی معنای تخلف، جرم و فساد.....
۳۲.....	فساد مالی در قوانین جزایی.....
۳۳.....	فصل دهم - فساد اقتصادی.....
۳۳.....	مفهوم فساد اقتصادی.....
۳۴.....	فسادهای کوچک و بزرگ اقتصادی.....
۳۴.....	فساد مالی، اقتصادی و اداری.....
۳۴.....	طبقه‌بندی فساد براساس انگیزه سازمان‌یافته.....
۳۵.....	طبقه‌بندی فساد از جهت هزینه و درآمد.....
۳۶.....	فساد در خصوصی‌سازی با اصل چهل و چهارم قانون اساسی.....
۳۷.....	فساد در شبکه بانکی کشور به بهانه توسعه و پیشرفت.....
۳۸.....	نتیجه‌گیری.....
۴۰.....	پیشنهادها.....
۴۱.....	منابع و مأخذ.....



درآمدی بر مسئله فساد

چکیده

زمانی که از فساد سخن گفته می‌شود افراد مختلف با توجه به نگرشی که دارند برداشت‌های متفاوتی از آن خواهند داشت. مسئله فساد در هر جامعه امری منفور و زشت است. زیرا فساد در هر فرهنگ، قوم و نژادی عامل تباهی است. یعنی فساد به چیزی گفته می‌شود که از درستی خارج شده و از سلامت گذشته است.

در این گزارش از چهار نوع فساد به اجمال سخن گفته شده است:

۱. **فساد سیاسی:** ارتباطات غیرقانونی و خارج از عرف شریعت و شهروندی را شامل شده و توسط مجریان سیاسی، کارگزاران حکومت و احزاب انجام می‌شود.

۲. **فساد فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی:** اغلب در یک گروه قرار گرفته و عموماً رفتاری است و از عملکرد ناصحیح تربیتی ناشی می‌شود.

۳. **فساد اقتصادی و مالی:** این فساد یا نشئت گرفته از فقر اقتصادی و معیشتی است یا در اثر کمبود درآمدهای مالی در کشور شکل می‌گیرد یا براساس بی‌برنامگی دولت‌ها، بی‌نظمی مالی، قوانین ناکارآمد، کمبود قوانین کارآمد و بی‌کفایتی، بی‌تقوایی و زیاده‌خواهی صاحبان قدرت یا عدم کنترل و نظارت صحیح و برخورد به‌موقع با مفسد یا مفسدین ایجاد می‌شود.

۴. **فساد پوچ‌گرایانه:** این فساد از سرخوشی و دارایی زیاد نشئت گرفته و در افرادی ایجاد می‌شود که علی‌رغم دارا بودن خانواده متدین و خداترس، وضعیت مالی خوب و برخورداری از جایگاه اجتماعی به‌منظور منافع شخصی و مقتضیات جامعه به سمت یک خلاف و فساد می‌روند و امنیت جامعه را چه از بُعد روانی و اجتماعی و چه اقتصادی ناامن می‌کنند و باعث بروز و ظهور فساد می‌شوند و سمت‌وسوی جامعه به سمت بی‌ارزش شدن مبانی دینی و ارزشی حرکت می‌کند و گاهی مشکلات اقتصادی ایجاد کرده و باعث برهم زدن نظم اقتصادی کشور می‌شود.

با توجه به مسائل جاری کشور به‌ویژه در دو دهه اخیر و اهمیت مسئله فساد مالی، اقتصادی و اداری و مبارزه با آن، که از یکسو مطالبات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایجاب می‌کند و ازسوی دیگر توقع مردم از نظام و حکومت اسلامی ایجاد عدالت و مهیا ساختن بستر امن اقتصادی و برخورد با مفسدین است، این پژوهش انجام شد تا بازخوانی مجددی از شناخت فساد و آثار سوء آن بر جامعه صورت گیرد.

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور وارد شکل دیگری از نظام حکمرانی شد و جمهوری اسلامی به‌عنوان آرمان طریقت راستی و حقیقت برپایه مبارزات فراوان شکل گرفت.

از آغاز با دستور امام خمینی(ره) شاخص‌های یک حکومت مبتنی بر مبانی دینی و اسلامی مبنای کار حاکمیت قرار گرفت تا نظام مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و با فاصله گرفتن از شاخص‌های حکومت طاغوتی، بنیان‌ها و زیربنای فکری، اعتقادی و قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی خود را که از دستورات خداوند متعال متجلی شده بود بنیان گذارد.

در قانون اساسی آمده: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن،...»^۱ و در اصل دوم آمده: «جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
 ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
 ۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
 ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح.
 ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.
 ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:
- الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین،
 ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،
 ج) نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند»^۲.
- براساس این مبنا، اصل سوم قانون اساسی، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی را در رأس اصول خود آورده تا کشور را در مسیر درست و الهی قرار دهد.

با توجه به نکات فوق، سالم‌زیستی در جامعه و پرهیز از سوءاستفاده‌های سیاسی، اقتصادی و اداری و عدم توجه به اشرافیت و تجمل‌گرایی باعث می‌شود که حرکت رو به رشد کشور به دور از فساد و سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی به سمت اهداف و آرمان‌های خود هدایت شود. لکن با مشاهده در

۱. اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، تالیفات اسلامی، ۱۳۸۷، چاپ سوم، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۴۴.



آمارها و اخبار داخلی و خارجی در می‌یابیم که جایگاه ایران در مبارزه با فساد باید قوی‌تر باشد و در حد انتظار موفق عمل کند.

حال این پرسش‌ها ضرورت می‌یابند که چه اراده‌ای برای برخورد با فساد اقتصادی و اداری به‌طور هماهنگ وجود دارد؟ آیا مبارزه با فساد در شرایط کنونی امکان‌پذیر است؟ فساد در چه وضعیت و موقعیت‌هایی ایجاد می‌شود؟ سازوکارهای مبارزه با فسادها چیست؟ عوامل تعیین‌کننده فساد کدامند؟ برای بازدارندگی از فساد چه اقداماتی انجام شده است؟ آیا در نهاد آموزش و پرورش، دو امر تعلیم و تربیت با یکدیگر همخوانی داشته و آموزش و پرورش توانسته به این امر مهم توجه کرده و از همان ابتدا که تربیت فرزندان این مرزوبوم را در اختیار می‌گیرد تربیت درستی را اعمال کند؟ در این خصوص در دانشگاه‌ها چه اقداماتی انجام شده است؟ از ظرفیت دانشگاه‌ها چه استفاده‌هایی برای مبارزه با فساد می‌توان کرد که تاکنون به آنها توجه نشده است؟ در تربیت افراد خداترس برمبنای خودنظارتی در سازمان‌ها چه اندازه موفق بوده‌ایم؟ آیا تاکنون اقدام مهمی صورت پذیرفته است؟ چقدر به شایستگی افراد باتقوا و خداترس در تصاحب شغل‌های حساس جامعه اهمیت داده‌ایم؟ آیا افرادی را که نسبت به حفظ بیت‌المال حساس بودند در مسئولیت‌های اداری و کلیدی انتخاب کرده‌ایم یا این که فقط به افرادی که مجری بی‌چون و چرای اوامر صاحبان قدرت بوده‌اند توجه شده است؟ آیا انتصاب‌ها براساس صلاح حکومت بوده یا سلیق دخیل بوده‌اند؟ قوانین تا چه اندازه بازدارنده‌اند؟ آیا در قوانین یا قانونگذاری مشکلی وجود دارد یا در قوه مجریه و قضائیه؟ به‌راستی ریشه و مشکل اساسی ایجاد فساد و راه‌های مبارزه با آن کجاست؟ و نهایتاً چرا در کشور، فساد به‌طور فزاینده رشد پیدا کرده است؟

با نگاه اجمالی به آمار و اطلاعات دانسته می‌شود که ارقام فسادها و سوءاستفاده‌های مالی و اداری بی‌وقفه رو به افزایش است. با وجود این، آیا آمادگی مبارزه با فساد را داریم؟ آیا مقدمات کار فراهم شده است؟ آیا تاکنون از فسادهای انجام شده ارزیابی صورت گرفته است؟ آیا نقاط و گذرگاه‌های آسیب‌پذیر ساختار اداری فساد شناسایی شده است؟ البته بسیار پرسش‌های دیگر از این دست وجود دارد که باید پاسخی به آنها داده شود.

این گزارش برپایه راهکارهای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی تهیه شده و مبتنی بر نظرات امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی است. امید است با توجه به دستورات صادره از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی و عملیاتی کردن آنها گامی برای مقابله با فساد برداشته شود.^۱

۱. این بحث درآمدی بر مسئله فساد است که مباحث تفصیلی آن متعاقباً منتشر می‌شود.

فصل اول - کلیات

بررسی فساد از نظر لغوی و اصطلاحی

فساد در ادبیات فارسی در مقابل صلاح است و فعل غیرمشروع را فساد می‌گویند. در واقع فساد، در هم ریختن و از بین رفتن، نابود شدن و متلاشی شدن است و در فلسفه نیز به معنای زوال است.^۱ زمانی که چیزی بی‌ارزش شود یا از بین برود، مانند اصول اخلاقی در یک جامعه به آن فساد می‌گویند.^۲ وقتی کسی فتنه می‌کند یا آشوبی به راه می‌اندازد و باعث تباهی می‌شود این عمل را فساد آوردن یا فسادآور می‌نامند.

در فرهنگ اصطلاحات سیاسی نیز فردی که رشوه‌خواری کرده یا مرتکب تخلف انتخاباتی می‌شود و از مقام و موقعیت خود سوءاستفاده می‌کند مخصوصاً افرادی که دارای پست‌ها و مسئولیت‌های سیاسی باشند و با تطمیع و اعمال نفوذ اقدامات خود را انجام می‌دهند فاسد نامگذاری می‌شوند.^۳ واژه فساد که مدنظر این پژوهش است به معنای تطمیع، اغفال، تباهی، رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی است. چنانچه کسی باعث شود دیگری به فساد بیفتد و منحرف شود به آن منحرف‌کننده می‌گویند. بر این اساس فاسد کردن و خراب کردن از طریق رشوه دادن و تطمیع کردن را می‌گویند.^۴ فساد، در زبان عربی از ریشه فَسَدَ گرفته شده به معنای فاسد شدن، خراب شدن، گندیدن (الفَسَاد) و عبارت است از: تباهی کردن، فساد کردن و لهو و لعب و به زور مال کسی را گرفتن.^۵

روش مبارزه با فساد

فهم و درک روش مبارزه با فساد در اندیشه سیاسی تمام مسئولین باید نهادینه شود و زمانی که به مصادیق فساد و مبارزه با آن همراه با روش درست فکر نکنند هیچ‌وقت مبارزه جدی با فساد انجام نخواهد شد و ریشه فساد در زمین حاصلخیز بی‌ایمانی انسان‌ها بیشتر فرو خواهد رفت.

مقام معظم رهبری در خصوص به دست آوردن اطلاعات و آگاهی برای به دست آوردن یک فهم مشترک در امور تخلف بلاخص مبارزه با فساد در حاکمیت با داشتن یک فهم سیاسی به‌عنوان یک مطالبه سیاسی این گونه می‌فرمایند: «آگاهی‌های ما طرق و بسترهای بسیار متعددی دارد. فهم سیاسی، فکر سیاسی، مطالبه سیاسی، مطالبه آرمانی، حساسیت نسبت به حوادث و حضور در صحنه مواجهه با حوادث در جوان ایرانی، ممتاز و نمونه است... امروز سیاست مشترکی در همه دنیا، به‌وسیله مراکز معینی

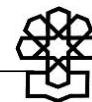
۱. سیدجعفر سجاد، فرهنگ معارف اسلامی (ف-ی)، تهران، کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱۲.

۲. حسن انواری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، جلد ششم، چاپ دوم، ص ۵۲۵۹.

۳. مهدی نوروزی خیابانی، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، چاپ هفتم، ص ۶۲.

۴. عباس آریانپور کاشانی، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، جلد اول، ص ۱۱۷۲.

۵. محمد بندر ریگی، فرهنگ عربی به فارسی ترجمه منجد الطلاب، تهران، افست، چاپ ششم، ۱۳۵۸، ص ۴۱۸.



دنبال می‌شود. این سیاست عبارت است از: این که جوانان را تا خرخره در شهوات و غرایز جنسی و فساد اخلاقی غرق کنند. این یک سیاست رایج در دنیاست...»^۱

رهبری با این فرمایش به این مهم اشاره دارند که همچنان که غرب برای ترویج فساد در میان جوامع از جمله ایران با تمام سیاست و روش‌های گوناگون وارد می‌شود و در جهت مبارزه با این فساد نیز حاکمان و مسئولین کشور می‌بایست با شناخت روش‌های گوناگون در مبارزه با فساد به صورت متمرکز و با جدیت وارد شوند.

راه‌های مبارزه با فساد

امام (ره) در باب مبارزه با مفسد گفته‌اند: اگر نظام بخواهد با مفسد موجود برخورد کند در ابتدا باید بخواهد و بر این خواستش اصرار بورزد، بر این اصرار خود تأکید کند با برنامه‌ریزی دقیق برای این مبارزه نظارت کامل داشته باشد، کنترل نظارت خود را قبل، حین و بعد از نظارت ادامه داده، نهایتاً نسبت به بررسی با در نظر گرفتن کوتاهی‌ها و کاستی‌ها گزارش جامعی را تهیه و آسیب‌های موجود را شناسایی و نسبت به برطرف کردن آن اقدام کند.

امام (ره) با زبان شیوای عرفانی خود فرموده‌اند: «بالجمله، علاج قطعی اکثر مفسد به علاج حب دنیا و حب نفس است؛ زیرا که با علاج آن، نفس دارای سکونت و طمأنینه شود و قلب آرامش پیدا کند و دارای قوه و ملکه اطمینان شود و به امور دنیا سهل‌انگاری کند و به هیچ مآکل و مشرب اهمیت ندهد، و اگر کسی با او در امری از امور دنیا مزاحمت کند، او با خونسردی تلقی کند و به سهل‌انگاری برگزار نماید و چون محبوب او طعمه اهل دنیا نیست، دنبال آن به جوش و خروش برنخیزد و قطع ریشه محبت دنیا گرچه امر مشکلی است - خصوصاً در اول امر و ابتدای سلوک - ولی هر امر مشکلی با اقدام و تصمیم عزم آسان شود. قوه اراده و عزم به هر امر صعب و مشکلی حکومت دارد و هر راه طولانی سنگلاخی را نزدیک و سهل کند»^۲.

امام (ره) یکی دیگر از راه‌های مبارزه با فساد را سلوک و رعایت اخلاقیات در دوران جوانی می‌داند که این هم امری است که دولت چه در آموزش و پرورش و چه در دانشگاه‌ها می‌تواند به آن توجه ویژه داشته باشد.^۳

از دیگر راه‌های مبارزه با فساد، به وجود آوردن فرهنگ مبارزه با آن است که آرام آرام وارد اخلاقیات مردم شود.^۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۲. شرح حدیث جنود عقل و جهل متن ۲۵۴ فصل نهم در ذکر علاج غضب، در حال سکونت نفس به قلع ماده آن، و علاج اسباب مهیجه آن ص ۲۵۲.

۳. صحیفه امام، ج ۲۲ تعجیل در «توبه» صص ۲۱ و ۲۲.

۴. محمد توکل، تهاجم فرهنگی، جلد چهارم، تهران، نگین سبز، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰.

راه دیگری در مبارزه با فساد، شایسته‌سالاری در دستگاه‌های حاکمیت و دولت است. در شایسته‌سالاری استعدادها شکوفا شده و جامعه را به سمت سختکوشی و انگیزه خدمت هدایت می‌کند و باعث هدایت جامعه توسط افراد خردمند و مستعد می‌شود.^۱

راه دیگر مبارزه با فساد خروج از دولت‌سالاری^۲ است. در واقع این واژه در تقابل با اصل چهل و چهارم قانون اساسی و خصوصی‌سازی اشاره دارد به این موضوع که وقتی در جامعه‌ای مداخله مستقیم دولت در حیات اقتصادی به وجود می‌آید و همه چیز دولتی و ملی می‌شود، در واقع دولت‌محوری و دولت‌سالاری اتفاق افتاده است. کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، وضع قوانین رفاهی و اجتماعی و همه چیز در شکل حقیقی خود در حیطه اقتصاد دولتی است. کشور با این پدیده سالیان سال مواجه شده و آثار آن شیوع فساد در بدنه دولت توسط افراد فرصت‌طلب برای گرفتن امتیاز بیشتر برای ثروت‌اندوزی است. نتیجه این عمل افزایش اختیارات دولتی و کاهش منزلت و حقوق شهروندی و انسانی می‌شود.^۳

دیگر راه مبارزه با فساد، اجرای صحیح قانون است. امام (ره) در خصوص رعایت و اجرای قانون اعتقاد بر این اصل مهم داشتند که اسلام، دین قانون است و این قانون است که تأمین‌کننده عدالت و پرورش‌دهنده انسان‌های مہذب و سعادت‌مند به حساب می‌آید. ایشان می‌فرمایند: «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود به قوه اجرائیه و مجریه احتیاج است.....»^۴ پس در کنار داشتن قانون خوب و اثرگذار می‌بایست دستگاه اجرایی نیز به سهم خود پایبند به قانون بوده و قانون را به خوبی اجرا کند تا خود جزئی از ارکان مبارزه با فساد شود.

مقام معظم رهبری راهکاری در این مورد را نشان داده و فرموده‌اند: «مهمترین بخشی که می‌شود با فساد مبارزه کرد، دولت است». خود دولت هم این را قبول دارد و دنبال کرده است. برای مبارزه با فساد در دولت انصافاً کارهای مهمی در گلوگاه‌ها انجام گرفته است. گلوگاه‌های فساد باید بسته شود. این که شما می‌بینید جنسی نباید وارد شود، اما وارد می‌شود؛ نباید به کسی امتیازی داده شود، اما داده می‌شود؛ اولین چیزی که به ذهن انسان می‌رسد، باید گمان وجود فساد و اراده فاسدی باشد. اگر موردی بود که از این صافی‌ها و از زیر دست مسئولان دولتی رد شد، آن وقت نوبت قوه قضائیه است. دست پاک داشتن شرط لازم مبارزه با فساد است. مقام معظم رهبری فرمودند: «البته هم قوه قضائیه و هم مسئولان دولتی ذریبط باید دست خودشان را کاملاً پاک نگه دارند. من آن روز گفتم؛ باید دستمال را تمیز کرد تا بشود شیشه را با آن تمیز کرد».^۵

۱. اندرو هیوود، ترجمه امیر ارجمند، اردشیر موالی‌زاده و سیدباسم، کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰.

2. Etatism

۳. حسن علیزاده، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، روزنه، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ص ۱۰۶.

۴. اصغر میرشکاری، قانون و قانونگرایی در سیره امام خمینی (ره)، تهران، عروج، ۱۳۹۳، ص ۱۲.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۹.



علت ایجاد فساد

آنچه موجب ایجاد فساد در حکومتی می‌شود: در مرحله اول توجه به جمع کردن زخارف دنیوی بیش از حد نیاز در کارگزاران حاکمیت و سپس آحاد مردم است که موجب شکل‌گیری انحراف می‌شود. رکن قوه قضائیه به‌عنوان علت‌العلل و پیشقراول مبارزه با فساد می‌تواند مسیر احتمالی انحراف در نظام را به راه راست خود برگردانده و در مسیر صحیح هدایت کند.

در این خصوص مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «در تمام دنیا، قوه قضائیه، ملاک و معیار سلامت جامعه است. اگر قوه قضائیه‌ای سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد به مرور تمام دستگاه‌های کشور و جامعه اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آنکه دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید. اگر دستگاه قضایی سالم نباشد، دستگاه‌های دیگر هم به تدریج به فساد خواهند گرایید. به همین دلیل، اسلام نسبت به قضا و قضاوت و قاضی و محکمه و مقدمات کار و ابزار کار قضایی، حداکثر اهتمام را ورزیده است و شاید در تعالیم اسلامی، چیزی به اندازه عدالت در قضا مورد تأکید واقع نشده باشد... و همان‌طور که بارها از زبان امام عزیز شنیده شد، برادرانی که در قوه قضائیه مشغولند، زحمات و تلاش‌های فراوانی را کشیده‌اند؛ اما باید در نظام اسلامی نسبت به رشد و اعتلای روزافزون دستگاه قضایی همت گماشته شود و در هیچ حدی قانع نبود. حقیقتاً دستگاه قضایی باید ملجأ و مأمن مردم به حساب آید»^۱.

سوءاستفاده دشمن از عناصر فاسد داخلی

وقتی در جامعه‌ای کجروی‌ها و رفتارهای نادرست مانند فساد ایجاد شود و براساس عدم نظارت و کنترل این بیماری مانند سرطان توسعه پیدا کند، درواقع عمل خلاف و مفسده در جامعه شیوع پیدا کرده و قبح آن برای مردم ریخته می‌شود. در اجتماع به پاره‌ای از کجروی‌های اجتماعی پس از مدتی به‌عنوان هنجار اجتماعی نگاه می‌کنند و به آن قوام و دوام می‌دهند. کجروی‌ها در جوامع گوناگون به صورت‌های مختلفی ارزیابی شده و با آن برخورد می‌شود. در موقعیت‌های مختلف کیفیت اعمال نادرست و خلاف در سطح جامعه با هم متفاوت می‌باشد. پس می‌توان گفت این کجروی‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز با هم متفاوتند.

در جوامع مختلف صاحبان قدرت قوانین را به‌گونه‌ای که خود می‌خواهند وضع و تفسیر می‌کنند و بالطبع کسانی را که از این قوانین سرپیچی می‌کنند، کجرو می‌خوانند و چون طرز تفکر صاحبان زر، زور و قدرت در جوامع مختلف شکل‌های گوناگونی دارد اعمال واحد در جوامع مختلف نیز با اشکال گوناگونی تعبیر می‌شود.^۲

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم لرستان، ۱۳۴۸/۴/۷.

۲. محمدحسین فرجاد، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «در داخل کشور ممکن است خیلی از چیزها به‌طور طبیعی زمینه داشته باشد. فرض کنید فساد و رواج فساد در بخش‌هایی - چه بخش‌های دولتی و چه بخش‌های غیردولتی - یا آلودگی‌های شهوانی در بین بعضی از مردم یا بخش‌هایی از جوانان ممکن است وجود داشته باشد - زمینه‌های طبیعی هم دارد - اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمین‌گیر کند، همین عوامل، ابزاری در دست دشمن می‌شود و آنها را تشدید می‌کند. امروز شما وقتی سرخ بسیاری از قضایای داخل کشور و مشکلات را دنبال کنید به سرانگشت بیگانه می‌رسید؛ به دست‌های مزدور دشمنان و به تدبیر دستگاه‌هایی که همه نیروی خودشان را علیه نظام اسلامی تجهیز کرده و می‌کنند.....»^۱

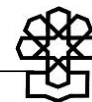
مبارزه با فساد، اولویت کاری نهادها و قوا

یکی از مسائلی که می‌تواند آینده مفسدین را به مخاطره بیاندازد و پیشگیری از فسادهای آینده کند، بحث رسیدگی به تخلفات و فسادهای موجود در حال شکل‌گیری یا اتفاق افتاده به‌طور سریع و قاطع در سطح جامعه است. به‌طور مثال فساد حاصل از رشوه گرفتن و رشوه دادن در جامعه باعث ویران کردن اخلاقیات در جامعه شده و مسیر تربیت نادرستی را در امور رفتاری جامعه نهادینه می‌کند و به کیان و فرهنگ جامعه اسلامی ضربه می‌زند.

رهبر معظم انقلاب در خصوص اولویت قرار دادن کارها و به‌ویژه اولویت رسیدگی به تخلفات، جرائم مالی و فساد موجود در سطح جامعه به قوه قضائیه می‌فرماید: «در دنبال‌گیری مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، واقعاً اهم و مهمی درست کنیم. یعنی هیئت رئیسه و سیاستگذاران دستگاه قضایی - هر مجموعه‌ای که هستند - بنشینند موارد را «الاهم فی‌الاهم» کنند و مهمترین آنها را دنبال نمایند؛ چون واقعاً امروز در جامعه موارد بدی وجود دارد که همه را باید دستگاه قضایی دنبال کند. ببینیم واقعاً کدام‌ها را بایستی در درجه اول قرار داد. الان مثلاً در جامعه فساد و ارتشا و جرائم ضدانقلابی و براندازی و خدعه و تزویر و جعل و امثال اینها وجود دارد. در میان این موارد، کدام از همه مهمتر است؟ من خیال می‌کنم اگر بخواهیم دنبال اهم بگردیم، همین مسئله فسادهای مالی و اخلاقی و ارتشا و تزویر و امثال اینها، چیزهایی است که به‌خصوص از مردم سلب امنیت می‌کند و واقعاً در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرند.....»^۲

نکات رهبری به قوه قضائیه این فرض را برای تمام قوا و نهادهای نظارتی، امنیتی و تمام دستگاه‌های حاکم در کشور ایجاد می‌کند که در برنامه‌های سالیانه و در امور اجرایی خود، اولویت مبارزه با فساد را از اهم برنامه‌های دستگاه قرار دهند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۴۸/۶/۳۰.



آینده‌پژوهی و آینده‌نگری در مبارزه با فساد

آنچه در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد، در درجه اول شناخت و چرایی شکل‌گیری فساد در ابعاد مختلف و در سطح جامعه است و در درجه دوم، ایجاد یک شناخت عمیق نسبت به موضوع تخلف خواهد بود.

مسئله جرم‌شناسی و فسادشناسی در نظام حکومتی و جامعه سیاسی برای طراحی و اجرای یک برنامه بنیادین قوی ضروری است تا آینده کشور را بیمه کند.

نگاه آینده‌پژوهان نگاهی ژرف و به دور از تعصبات موجود به حوزه‌های مختلف است. این نگاه در تمام حوزه‌ها وارد شده و آینده را براساس آنچه در گذشته اتفاق افتاده و در زمان حال اموری از آن در حال اجراست و براساس گمانه‌زنی در لایه‌های زیرین فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی راهکارهایی را ارائه می‌دهد.^۱

دولت در مبارزه با فساد براساس آینده‌پژوهی و آینده‌نگری می‌تواند:

الف) در این خصوص اولویت‌های کشور را در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طراحی کند.

ب) در بلندمدت نسبت به توسعه رفتارهای سیاسی صحیح و مشارکت عمومی اقدام کند.

ج) در تدوین قانون، نوآوری کند و قوانین مبارزه با فساد را مورد بازنگری عمیق قرار دهد.

د) شناخت، ایجاد شرایط و راه‌های همکاری صحیح ذی‌نفعان و مردم را در این حوزه به همراه داشته باشد.^۲

فصل دوم – جایگاه مفسدین در کلام الهی

خداوند در آیات بسیاری درخصوص جایگاه مفسدین و تهدید آنان به برخورد شدید در روز قیامت اشاره فرموده‌اند.^۳ از جمله آیه سوم سوره آل عمران که خداوند پس از بیان تخلف و گناه و تهدید متخلفان اعلام می‌دارد مفسدان در احاطه علمی خداوند هستند.^۴ خداوند با این فرمان الهی به گناهکاران و مفسدین هشدار می‌دهد که در هر لحظه مراقب اعمال و کردارشان است.

در نظام خلقت نوعی نظارت وجود دارد تا هر آنچه در حال اتفاق است از مسیر طبیعی خود منحرف نشده و برای نوع بشر نیز همین گونه باشد، حکومت‌ها با این تعلیم برای مراقبت کارگزاران خود استفاده می‌کنند.

۱. محمد خلیج، مبانی آینده‌پژوهی و جایگاه آن در ایران و چند کشور جهان، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲، ص ۵.
۲. همان، ص ۱۱.
۳. اسماعیل احمد عمایره و مصطفی السید، عبدالحمید، مُعْجَمُ الْأَدْوَاتِ وَالصَّمَائِرِ فِي الْقُرْآنِ الْکَرِیمِ، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه ق، ص ۲۸۲.
۴. اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۶.

در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره بقره آمده: «و زمانی که گفته شود به آنان که در روی زمین فساد و اخلاص در امور مردم نکنید: گویند ما نیکوکار و اعمال صالح انجام می‌دهیم - آگاه باشید که آنان اخلاص و فساد طلبند، ولی ادراک نمی‌کنند»^۱.

آثار این صفت (دنیاطلبی) که باعث ایجاد فساد انسان‌ها در زمین می‌شود حرص، طمع شدید، منازعه، غضب، حسد، بخل، سوءنیت و صفات دیگری است که از تعلق به دنیا و جلب و جمع آن برمی‌خیزد. رسوخ این صفت در قلب به پیدایش حالت نفاق منتهی می‌شود. یعنی توجه ظاهری به اخلاص و عبودیت و توحید با علاقه شدید و محبت تمام به دنیا و زندگی مادی و حرص باطنی قلبی به لذایذ دنیوی.

امکانات اقتصادی و نیروهای انسانی در دست افرادی که فسادانگیزی می‌کنند و انسان‌های ناصالحی باشند نه تنها سعادت‌آفرین نیست، بلکه اغلب مایه دردسر و بلا و بدبختی است. زیرا این اشخاص نه اموال خود را به درستی مصرف می‌کنند تا از آن بهره مفید و سازنده‌ای بگیرند و نه فرزندان سر به راه و با ایمان و تربیت یافته‌ای دارند که مایه روشنی چشم آنان و حل مشکلات زندگانی‌شان شود. بنابراین اموالشان اغلب در راه هوس‌های کشنده و سرکش، تولید فساد، تحکیم پایه‌های ظلم مصرف می‌شود و مایه غفلت آنها از خدا و مسائل اساسی زندگی است.

زندگی کسانی که ثروت و نیروی انسانی را اصیل می‌پندارند و چگونگی مصرف آن برای آنها مطرح نیست، دورنمای دل‌انگیزی دارد، اما اگر به متن زندگی‌شان نزدیک‌تر شویم و به این حقیقت نیز توجه کنیم که چگونگی بهره‌برداری از این امکانات مطرح است تصدیق خواهیم کرد که هرگز افراد خوشبختی نیستند.^۲

در خصوص امر به پایداری و صبر به افرادی که با فساد مبارزه می‌کنند، خداوند در این خصوص در سوره عنکبوت آیه ۳۳ می‌فرماید: «و هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از آمدنشان بد حال شد و دستش (از حمایت آنان در برابر بدکاران) کوتاه گردید (فرشتگان) گفتند: نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده‌ات را نجات می‌دهیم، مگر همسرت که از باقی ماندگان (در عذاب) است».

برای استحکام مؤمنین در مقابل مفسدین و جامعه‌ای که در آن فساد شیوع پیدا کرده نکاتی قابل توجه در این سوره وجود دارد:

۱. در جامعه فاسد، مردان خدا در تنگنا قرار می‌گیرند و حتی در مورد حفظ مهمان و ذریه خود نیز نگرانند.

۲. شیوع فساد، نباید ما را بی‌تفاوت کند. (غیرت دینی لازمه ایمان است).

۳. بسیاری از نگرانی‌ها به خاطر بی‌خبری از آینده است.

۱. حسن مصطفوی، تفسیر روشن، جلد یک، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، ص ۷۹.
 ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد هشتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۶۹.



۴. نگرانی درونی، در چهره اثر می‌گذارد.
۵. مؤمنان را با وعده‌های حق و آرام‌بخش از دلهره و اضطراب نجات دهیم.
۶. در بیان حقایق، ابتدا نقاط مثبت را بگوییم.
۷. خداوند، اولیای خود را حفظ می‌کند.
۸. پیوند خانوادگی موجب نجات انسان نمی‌شود، ایمان و عمل صالح کلید نجات است.
۹. زن، دارای شخصیتی مستقل است و می‌تواند در برابر نظام فرهنگی و اقتصادی خانواده یا جامعه مقاومت کند.

۱۰. راهنمای فساد نیز مفسد است.^۱

این آیه هرچند در خصوص فساد فرهنگی و اجتماعی نازل شده است، لکن می‌تواند در مورد جامعه‌ای که در آن فساد سیاسی و اقتصادی نیز جریان دارد مصداق پیدا کرده و آرامشی برای انسان‌های مؤمنی باشد که دامن خود را از گناه و آلودگی‌های مختلف دنیوی پاک نگاه داشته و دچار لغزش‌های دنیوی و هوس‌های بدکاران نشده‌اند.

بی‌شک هر آنچه بر سر انسان‌ها می‌آید انعکاس رفتار خود آنهاست. خداوند می‌فرماید: «آنچه را به‌عنوان ربا دریافت می‌کنند تا در اموال خود فزونی یابند، بی‌شک نزد خدا فزونی نخواهد بود».^۲ بنابراین سرچشمه فساد، اعمال خود مردم است. فساد به‌خاطر اعمالی که مردم انجام داده‌اند، در دریا و خشکی آشکار شده است. خداوند با نزول مجازات‌های مختلف می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال انسان‌ها را به آنها بچشانند شاید از عملکرد خود توبه کنند و به‌سوی خداوند برگردند تا بهانه‌ای برای روز حساب نداشته باشند و مهلتی نیز در این دنیا داشته باشند.^۳

فصل سوم - رفتار حضرت پیامبر (ص) و سیره حضرت علی (ع)

رفتار حضرت پیامبر (ص) با متخلفین

پیامبر (ص) در امور شخصی بسیار نرم‌خو و ملایم بودند و اگر کسی به ایشان اهانت می‌کرد بسیار با ملاحظت و نرم‌خویی با او برخورد می‌کردند. از جمله یهودی که به ایشان اهانت کرده بود، لکن حضرت به‌دلیل نرم‌خویی و برخورد انسانی باعث شدند تا شهادتین گفته و مسلمان شود، ولی در فتح مکه زنی از اشراف قریش دزدی کرده بود و از آنجا که حکم قانون اسلام قطع دست دزد است، وقتی قضیه ثابت و مسلم شد و زن اقرار به دزدی کرد، طبق دستور پیامبر (ص) می‌بایست حکم اجرا شود بسیاری از بزرگان برای وساطت نزد ایشان آمدند تا حکم اجرا نشود چون آن زن از وابستگان بزرگان قریش بود،

۱. محسن قرائتی، تفسیر نور، جلد نهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰.

۲. بقره، آیه ۲۷۶.

۳. سیدمهدی گلی جنتی، گلی از بوستان خدا، قم، بخشایش، ۱۳۸۴، ص ۴۰۸.

ولی حضرت به هیچ‌وجه کوتاه نیامدند و اعلام داشتند اگر این زن کسی را نداشت و جزء بیچارگان بود می‌بایست دستش قطع شود ولی حالا که جزء اشراف است وساطت می‌کنید؟ بنابراین ایشان نسبت به درخواست‌ها توجهی نکردند و حکم را اجرا کردند.

پیامبر (ص) در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌دادند ولی در مسائل شخصی فوق‌العاده نرم و مهربان بودند.^۱

از آنجا که در اسلام به حفظ امنیت و پاسداری از مال و خون بسیار سفارش شده با آنان که رعایت حدود الهی را نمی‌کردند به شدت برخورد کرده تا آنجا که حکم قتل نیز صادر می‌شد. در واقع کسانی که در زمین فساد و تباهی می‌کردند با مجازاتی نظیر قتل، به دار آویختن، قطع دست و پاها در جهت مخالف یکدیگر یا تبعید مواجه می‌شدند. برای قضات نیز رعایت عدالت و مساوات به شدت دستور داده شده بود تا آنجا که به‌منظور آن که حقی از کسی پایمال نشود، قاضی می‌بایست میان دعوا، در کلام، سلام، مکان، نگاه، سکوت و میل قلبی به یکسان رفتار کند مگر آنکه اختیار از او خارج باشد. بنابراین بر قاضی لازم است که در داوری رعایت عدل و داد را بکند و گرفتن رشوه و هدیه را ناروا بداند.

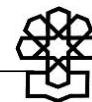
پیامبر (ص) همه مردم را در حقوق برابر می‌دانستند و پادشاه و رعیت در نزد ایشان یکی بودند. همچنین در آن زمان تصرف در مال کسی بدون رضایت شخص، عقوبت بدی برای فرد داشت.^۲

سیره امام علی(ع) در مبارزه با فساد

علی (ع) به مسئولان و کارگزاران نظام تذکرات بسیاری را می‌دادند. ایشان به مسئولین هشدار دادند که چنانچه ارتباط کارگزاران با مردم به‌طور مستقیم قطع شود، دلالت و سودجویان از این موقعیت سوءاستفاده کرده و با رشوه گرفتن و ایجاد فساد این ارتباطات را برقرار می‌کنند و چه‌بسا گزارش‌ها را به‌خاطر منافع شخصی و حزبی خود به‌صورت نادرست و ناصحیح منتقل کنند. همچنین به مسئولان تذکر داده‌اند که به ایشان نزدیک‌ترند به‌خاطر این نزدیکی وعده‌های زمین و املاک ندهند تا آنان به طمع نیافتند و ایجاد فساد نکنند. اگر به‌خاطر نزدیکی به حکومت و قدرت این اتفاق بیافتد باید با عاملان آن برخورد شدید کرد و اسباب این کار را از بین برد. چنانچه این اتفاق نیفتد دیگران شیرینی اسباب دنیا را خواهند برد و حاکم، تلخی برخورد و عقوبت اخروی را بر گردن خواهد داشت.^۳

علی (ع) به حاکمان خود و تمامی حاکمان و کارگزاران عصرهای بعد از خود فرمان داده‌اند که اگر کارکنان دولت و مسئولان دارای قدرت تصمیم‌گیری دست به خیانت دراز و بازرسان نیز خیانت و فساد

۱. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، چاپ سی‌وینجم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸.
 ۲. سیدمحسن امین، سیره معصومین، ترجمه علی حجتی کرمانی، جلد اول، تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ص ۴۵.
 ۳. سیدرضی، نهج‌البلاغه پارسی، ترجمه سیدجمال‌الدین دین‌پرور، تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۴۷۰.



او را تأیید کنند، باید خائن را مجازات بدنی کرده، تمام اموالی را که از راه منصبش به دست آورده از او پس گرفت و خوار و ذلیل شده و مهر خیانت به او زده شود.

برای جلوگیری از این مفسده‌ها بهتر است در انتخاب کارگزاران دقت شود و پس از آزمودن کارگزاران، آنان را از خانواده‌های نجیب، شایسته و پیشقدم در اسلام انتخاب کرد.^۱

علی (ع) در زمانی که مردم برای بیعت به ایشان مراجعه کرده و از تلخی و فتنه‌های زمان خود شکایت می‌کردند و او را قسم می‌دادند که حاکمیت را بپذیرد، فرمودند: «مبادا کسانی از شما که اینک دست بیعت به من می‌دهند، فردا در برابر سبک و سیره عادلانه و انسانی من بگویند که دنیا به آنان روی آورده است، املاک و بوستان‌هایی فراهم آورده‌اند، نهرهایی جاری ساخته‌اند، بر اسبان راهوار سوار شده و کنیزان زیبا به خدمت گرفته‌اند و بدین وسیله و با این توجیه بخواهند در برابر حق و قانون بایستند».^۲ این عدالت و منش علی (ع) باعث شد تا در اوایل حکومت افرادی که اموالی را به ظلم و فساد و با زدوبندهای سیاسی و اقتصادی به دست آورده بودند، راه شکایت و فتنه‌انگیزی پیش گیرند و شروع به ایجاد جریان مقابله با حضرت کنند.

ولید یکی از آن اشخاص مشهور بود که به نمایندگی از افرادی که اموال بسیاری را از راه نادرست جمع‌آوری کرده بودند و با اشراف‌گری و تجمل‌پرستی زندگی می‌کردند و نمی‌خواستند طبق دستور حضرت، اموال خود را به بیت‌المال برگردانند، نزد ایشان آمده و با تهدید اعلام کرده بود چنانچه تغییر نگرش ندهند به معاویه ملحق می‌شوند و در مقابل حضرت قرار خواهند گرفت. این افراد نزدیکان خود را در جنگ‌های زمان پیامبر (ص) از دست داده بودند و به دنبال بهانه‌ای بودند تا علیه امام (ع) شورش کنند.^۳ این روش تمام کسانی بوده که مال نامشروع به‌دست آورده‌اند و زمانی که دستگاه‌های نظارتی و قضایی شروع به بررسی و برخورد با اموال آنان می‌کنند، به هر خس و خاشاکی دست دراز می‌کنند تا برای خود پناهی بجویند. این افراد شروع به تهمت زدن می‌کنند و با ایجاد یک جو ناآرام حقیقت را کتمان کرده و چون عموم مردم از اصل ماجرا بی‌خبرند، متأسفانه آنها را باور کرده و همراهی ایشان می‌کنند. در این بین رسیدگی عادلانه و برخورد با مفسدین با دشواری همراه می‌شود و این باعث ترویج بی‌عدالتی در سطح جامعه شده و مردم نیز انگیزه خدمت صادقانه را از دست می‌دهند.

۱. سیدمحسن امین، سیره معصومین، ترجمه علی حجتی کرمانی، جلد اول، تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ص ۷۹۳.

۲. سید محمدکاظم قزوینی، امام علی(ع) از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کرمی، قم، دلیل، ۱۳۷۹، صص ۴۷۰ و ۴۷۱.

۳. همان، ص ۴۷۲.

فصل چهارم - شناخت زیربنایی فساد

شناخت زیربنایی فساد و فساد سیاسی

یکی از مباحث بسیار مهم در حکومت و سیاست توجه به مسئله شناخت فساد و مبارزه با آن است. در کشورهای در حال توسعه، مسئله شناخت فساد و مبارزه با آن امری لازم و ضروری است. فساد به باورها، گرایش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، معیارها و عقایدی که در طول زمان برای مردم یک کشور به وجود آمده گفته می‌شود که به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده است.^۱ براساس همان باورها و اعتقادات از نظام و مملکت خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دفاع کرده‌اند، از طریق دلال‌بازی‌ها، رانتخواری‌ها، تبارگری‌ها، رشوه دادن و ارتباطات ناصحیح حمله‌ور می‌شود و مانند غده سرطانی در اکثریت اجزای حکومت جای می‌گیرد و اثر خود را در باورهای مردم پیدا می‌کند. در این صورت مردم به وجود فساد در اطراف خود خو گرفته و عادت می‌کنند، در این زمان است که فساد به‌عنوان یک امر نو وارد فرهنگ جامعه حکومتی می‌شود.

اگر فساد در ریشه و فرهنگ یک جامعه نفوذ کند مبارزه و برخورد با این پدیده به محال نزدیک می‌شود. در آن موقع گفته می‌شود که فساد در زیربنای اجتماع رخنه کرده و لانه مستحکمی برای خود ساخته و بر ستون‌های محکمی قرار گرفته است، یعنی یک جامعه صنعتی یا در حال توسعه را ناکارآمد می‌کند. در این صورت رقابت بین تولید اقتصادی به شدت ضعیف شده و سیاست ناشی از دولت، احزاب و گروه‌ها نیز بر کنترل فساد ناتوان شده و فساد به شکل زیربنایی درآمده است.^۲ رشد این غده سرطانی به جایی می‌رسد که به تومور خطرناک‌تری تبدیل شده و به فساد سیاسی تبدیل می‌شود. در این گونه فساد یک رشته اقدامات قانونی، غیرقانونی و خشونت‌بار روی می‌دهد که ارکان حکومت را مجبور به اتخاذ تصمیمات معینی می‌کند.^۳

در فساد سیاسی کسانی دلالتان بازارند که زراندوزی، مال‌اندوزی، خودمحموری و اسراف‌گری را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهند. این افراد به‌صورت افراطی اقدام به فاسد کردن کارگزاران حکومت کرده و در نقاط حساس و تأثیرگذار مانند گمرکات، بانک‌ها، سازمان خصوصی‌سازی، صنایع و معادن با دادن رشوه و تخریب اخلاقیات در جامعه به اهداف خود دست پیدا می‌کنند. اینان حتی با رخنه در قوای سه‌گانه نسبت به آلوده کردن حاکمان و تصمیم‌گیران در این عرصه‌ها مسیر رشد و تعالی کشور را به سمت بیراهه و نابودی ارزش‌ها پیش می‌برند.

۱. علیرضا شایان‌مهر، دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب پنجم، تهران، کیهان، ۱۳۸۵، ص ۳۹۹.

۲. همان، ص ۴۰۱.

۳. همان.



مقام معظم رهبری در خصوص دقت نظر به جایگاه حکومتی کارگزاران و برخورد با این گونه افراد می‌فرماید: «منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدین و سطح بالا هستید و مقاومت می‌کنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ افراد دارای درجات پایین‌تر ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیر و بینای خودتان را سراسر دستگاهی که زیر اشراف شما و تحت مدیریت شما است، آنچنان بگسترانید که امکان به وجود آمدن ناسلامتی اقتصادی نباشد، حتی قبل از آن که دستگاه‌های نظارتی وارد بشوند... واقعاً فساد مثل موربانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرج‌های زیادی و مانند اینها، در دستگاه‌تان نفوذ بکنند... اکثریت کارکنان، کارکنان زحمتکش و پاک و سالمند؛ [اما] وقتی که یک مورد، دو مورد، ده مورد انسان‌های ناپاک و ناسالم در یک دستگاهی حضور پیدا می‌کنند، مثل میکروب، مثل موربانه آنجا فعالیت می‌کنند، زحمات این مجموعه خدمتکار و زحمتکش واقعاً ضایع می‌شود و هم بدنام می‌شوند، هم زحماتشان از بین می‌رود؛ [فساد] محیط اطمینان را از بین می‌برد»^۱.

براساس دیدگاه مقام معظم رهبری اولین نهادی که باید مراقبت‌های لازم را در این خصوص در خود تقویت کند و به‌عنوان پیشقراول مبارزه با فساد وارد عمل شود، قوه قضائیه است.

ایشان در این خصوص می‌فرماید: «واقعاً آن قشری که جا دارد روی توانایی‌ها و کارآیی‌ها و تلاش موفق او، هر چه می‌توانیم سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بکنیم، قشر قضات هستند. علت هم معلوم است، بارها هم گفته شده، همه هم گفته‌اند. علت این است که اگر دستگاه قضایی از شرایط لازم برخوردار باشد و کار درست بکند، به‌زودی در کشور، فساد و تباهی و ظلم و تبعیض و فسق و بقیه چیزهایی که یک جامعه را فاسد و زمین‌گیر می‌کند، ریشه‌کن خواهد شد. اگر خدای نکرده، دستگاه قضایی سالم نبود، یا پُرکار نبود، آن وقت همه این جرائم، رشد می‌کنند و این میکروب‌ها، جرئت حیات و زیاد شدن و فعال شدن پیدا می‌کنند. به همین خاطر است که دستگاه قضایی، واقعاً برای ما، همه چیز است. فرق هم نمی‌کند، چه در دوران سازندگی که امروز است، چه در دوران جنگ که دیروز بود و چه در حوادث گوناگونی که یک ملت انقلابی و یک کشور بزرگ، همواره با عافیت و بلا مواجه است. در همه شرایط، آن چیزی که یک آن، به رکود، جمود، بیکاری و کم‌کاری و خدای نکرده به فساد او نمی‌توان تن داد، دستگاه قضایی است. هر جای دیگر خراب شد، می‌گوییم ان‌شاء... دستگاه قضایی می‌رود، آنجا را اصلاح خواهد کرد؛ اما خود دستگاه قضایی، باید در حد نصاب اصلاح و صلاح باشد»^۲.

علی‌رغم گذشت نزدیک به چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و وجود زیرساخت‌های محکم قانونی و اسناد بالادستی از جمله فرمان هشت ماده‌ای رهبری و دسترسی به منابع فقهی و دینی، چرا روند ایجاد

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در پنجمین روز از هفته دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۶۹/۴/۴.

فساد در کشور توسعه یافته است؟ بی شک شکل گیری این چنین فسادهایی که بخشی از کارمندان و کارگزاران نظام را آلوده به رشوه خواری و بی بندوباری های اداری و غیره کرده است می طلبد تا مراقبت های لازم و نظارت های قوی توسط بازرسان و ناظرین باتقوا و خداترس به صورت جدی انجام گیرد، همچنین ضروری است تشکیل و تقویت دولت الکترونیک به صورت جدی تری در دستور کار دولت قرار گیرد تا ارتباط بین مردم و خدمات دولت از طریق سامانه های الکترونیکی انجام شده و مراجعات افراد به سازمان ها و نهادهای به صورت فیزیکی کاهش یابد.

یکی دیگر از مفاسد زیربنایی که می تواند آسیب جدی به حکومت وارد کرده و باعث گسترش فساد در سطح جامعه شود، واگذاری قسمتی از فعالیت های دولت به بخش خصوصی بدون نظارت کامل و قوی است. به همین جهت اصل چهل و چهارم قانون اساسی برای تقویت بنیه اقتصادی و سیاسی کشور شکل گرفته است.

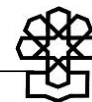
با توجه به اصل چهل و چهارم قانون اساسی و نظر رهبری به منظور واگذاری امور دولتی به بخش خصوصی؛ رعایت قوانین و مقررات، جلوگیری از سوءاستفاده و فسادهای احتمالی، نظارت کامل در امور مالی و اداری دولت مخصوصاً در حوزه واگذاری اقتصادی از جمله بخشی از فعالیت بانک مرکزی مانند توزیع ارز و طلا از طریق صرافی ها و سیستم بانکی کشور و ایجاد بانک های خصوصی، نظارت دقیق در وزارت صنایع و معادن و بخش تجارت کشور، واگذاری کارخانه ها و همچنین جلوگیری از دست درازی به منابع طبیعی کشور و زمین خواری و کوه خواری، ایجاد مجتمع های قضایی در سازمان ها و وزارتخانه ها برای برخورد فوری و بدون اغماض با فساد که آثار خود را در سطح جامعه داشته باشد و آرامش را به مردم برگردانده است.

بنابراین عدم برخورد جدی و سریع با فساد در مرحله اول شکل گیری و پیشگیری از وقوع جرم می تواند از علل مهم به وجود آمدن فساد در حاکمیت سیاسی باشد که ممکن است موجبات انحرافات بسیاری را در بنیان های نظام اسلامی ایجاد کند.

فصل پنجم - مصادیق فساد

مصادیق فساد اداری و مالی

در اینجا به لحاظ گستردگی مطلب لازم است به مصادیقی اشاره شود که بیشتر به بخش عمومی مربوط می شود و در جامعه نمود پیدا کرده است. بنابراین از ورود به مباحث بخش خصوصی که می تواند گستردگی بسیاری داشته باشد خودداری شده است:



تعریف فساد اداری

هرچند تعریف جامع برای فساد اداری وجود ندارد، ولی هرکس به نحوی آن را می‌فهمد. یکی از تعاریف مشهور فساد اداری این است که: «فساد اداری عبارت است از: استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی».^۱

سوءاستفاده اداری

زمانی که دستگاه‌های دولتی، وزرای کابینه‌ها، مقامات حکومتی و ملی یا هرکس دیگر که قدرت تصمیم‌گیری اموری از مسائل دولت را در اختیار دارد و تصمیم خود را با اعمال فساد منتج به اخذ رشوه یا رانتخواری انجام دهد، سوءاستفاده اداری صورت گرفته است. چنانچه شخص یا اشخاص دیگری براساس تصمیمات اخذ شده دچار ضرر و زیانی شده و بتواند اثبات کند که براساس آن تصمیم ضرر و زیانی را دیده‌اند می‌توانند، سوءاستفاده اداری را مطرح کنند.^۲ درواقع اشخاص تصمیم‌گیر با سوءاستفاده از موقعیت و جایگاه خود و با رانت اطلاعاتی که دارند باعث ایجاد فساد شده و بدگمانی را در میان مردم نسبت به توانایی کنترل و نظارت دولت و حاکمیت ایجاد می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی درخصوص سوءاستفاده از جایگاه و قدرت در بین کارگزاران نظام این گونه مثال می‌زند: «همین چند روز پیش شنیدم که یک نفر برای کارش به جایی مراجعه کرده بود و آن طرف هم برای انجام کار این فرد، درخواست رشوه کرده است، مراجعه‌کننده، رشوه نداده و آن طرف هم گفته من می‌دانم که تو حزب‌اللهی هستی و حتماً به یک ارگان و جایی ارتباط داری که این‌طور قرص و محکم حرف می‌زنی؛ اما آیا این پول را می‌دهی یا نمی‌دهی؟ اگر بدهی طبق این بخشنامه عمل می‌کنم و کارت انجام می‌شود و اگر ندهی طبق بخشنامه دیگر عمل می‌کنم که کارت انجام نشود! یعنی دو بخشنامه وجود دارد و راه برای من باز است! اینها قوانین مبهمی است که از متن آن می‌شود دو بخشنامه متناقض در آورد».^۳

انواع فساد اداری

فساد اداری به لحاظ ارتباط و نوع برخورد و اقداماتی که انجام می‌گیرد به دو دسته ذیل تقسیم می‌شود:

الف) فساد اداری درون دولت

به اقدامات و سوءاستفاده‌هایی که از اموال دولت توسط کارکنان آن انجام می‌پذیرد اطلاق می‌شود. از جمله:

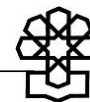
۱. نادر حبیبی، فساد اداری، تهران، وثقی، ۱۳۷۵، ص ۱۴.
۲. دیوید رابرت تسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه: عزیز کیاوند، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۵، ص ۱۸۲.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۶۸/۶/۲۰.

۱. استفاده شخصی از وسایل و اموال دولتی بدون اذن، مانند استفاده از خودرو، تلفن، ملزومات دولتی و وسایل و تجهیزات دولتی.
۲. استفاده از امکانات نظام اداری ساختار و تشکیلات برای پیشبرد اهداف سیاسی.
۳. فساد قانونی برای انتفاع نخبگان سیاسی و کارمندان دولت، مانند تبدیل اراضی عمومی و دولتی به اراضی مسکونی، صنعتی و تجاری برای انتفاع شخصی.
۴. ارائه گزارش‌های کذب و نادرست، کم‌کاری و صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی غیر از کار اصلی.
۵. سرقت مواد اولیه و مواد مصرفی متعلق به دولت از سوی کارمندان و کارکنان. این‌گونه فساد عموماً در شرکت‌های صنعتی دولت شکل می‌گیرد.

ب) فساد اداری بیرون دولت

فساد اداری به رابطه بین کارگزاران و مردم برای انجام امور اداری آنان اطلاق می‌شود. این رابطه شامل موارد زیر می‌شود:

۱. فساد در ارائه خدمات اداری و کالاهای دولتی مانند توزیع ناعادلانه مایحتاج عمومی بین روستاها و شهرها و مردم یا خدماتی مانند صدور مجوزات تجاری و اقتصادی و ...
۲. فساد در فروش املاک دولتی به شهروندان. زمانی که قیمت از طرف دولت برای فروش اموال اعلام می‌شود، بعضی از افراد سودجو با دادن رشوه نسبت به خرید اموال اقدام می‌کنند یا مسئولان دولتی با دادن اموال و املاک به پایین‌تر از قیمت واقعی به منصوبان خود از جمله هم‌حزبی یا خویشاوندی دست به فساد می‌زنند.
۳. فساد در انعقاد قراردادهای مقاطعه‌کاری دولت با پیمانکاران. در این موارد پیمانکاران با دادن رشوه و امتیازهای خاص به کارکنان دولت نسبت به انعقاد قرارداد بیش از قیمت واقعی اقدام کرده یا این‌که انعقاد قرارداد را از مسیر مزایده بیرون می‌برد.
۴. فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی. در این نوع فساد متقاضی اخذ مجوز به دلیل نداشتن بعضی از شرایط با دادن رشوه یا شریک کردن کارمند یا مسئول دولتی در سود کار نسبت به اخذ مجوز اقدام می‌کند.
۵. فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی. در این نوع فساد که عموماً به بحث‌های نظارتی برمی‌گردد شخص با دادن رشوه به کارمند یا کارمندان دولتی سعی می‌کند قانون را دور بزند.
۶. فساد خریدهای دولتی. در این فساد کارمندان دولت با سندسازی یا اخذ رشوه از فروشنده محصول قیمت محصول خریداری شده را از قیمت واقعی بالاتر می‌زنند.



۷. فساد مالیاتی. در این نوع فساد متقاضی با دادن رشوه باعث خسارات بسیاری به دولت می‌شود. کارمند دولت مالیات حقیقی را صادر نمی‌کند یا فیش مالیاتی را با مبلغ بالا صادر کرده و پس از اخذ رشوه، از قوانین متعارض یا خلأ قانونی سوءاستفاده کرده و مالیات را به نفع متقاضی کم می‌کند.

۸. فساد استخدامی. در این نوع فساد با رعایت نکردن اصل شایسته‌سالاری و زدوبندهای مختلف با اخذ رشوه از متقاضی یا با گرفتن امتیازی از فرد بانفوذی یا جذب هم‌گروهی‌ها و هم‌حزبی‌ها نسبت به استخدام افراد بدون ضوابط اقدام می‌شود. مدیران عالی و سیاستمداران به جهت قدرت بالایی که دارند رؤسای ادارات و پست‌های کلیدی را به دوستان و آشنایان خود می‌دهند.^۱

فساد بخش‌های مختلفی دارد که در این میان فساد مالی محسوس‌تر است. در این بخش به نمونه‌هایی از فساد مالی اشاره می‌شود.

۱. رشوه

رشوه در ادبیات فارسی به معنای «پاره» نام برده می‌شود و برای آنچه به کسی بدهند تا عملی به ناحق بکند یا حقی را باطل یا باطلی را حق جلوه دهد.

ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری به این موضوع اشاره دارد. **ارتشا:** چیزی است که وجود رشا در آن نهفته است. زیرا از یک طرف رشوه‌دهنده و طرف دیگر باید رشوه‌گیرنده‌ای وجود داشته باشد؛ این موضوع صراحتاً به «دریافت وجه مالی از سوی مستخدمین و مأموران دستگاه‌های مذکور در ماده فوق‌الذکر در مقابل انجام کار یا عدم انجام کاری توسط کسی که جزء وظایفش بوده یا جزء وظایفش نبوده یا کار قانونی یا کار غیرقانونی بوده است»^۲ اشاره دارد.

رشوه دادن: اسباب انجام تمام کارهای خطاست و وقتی در برخورد و ریشه‌کن کردن آن کوتاهی و بی‌توجهی شود. مانند سلول‌های سرطانی که شروع به تخریب و از بین بردن سلول‌های سالم و نهایتاً از بین بردن بیمار می‌کند، در جامعه باعث از بین رفتن نیروهای خدوم نظام و نهایتاً از بین رفتن یک سیستم سالم می‌شود.

در جامعه امروز کسانی وجود دارند که رشوه می‌گیرند و برای فرار از مجازات نام آن را هدیه می‌گذارند. رهبر معظم انقلاب برای تبیین این موضوع فرمودند: «ما بعضی‌ها را دیدیم که دیگران آمدند و به‌عنوان هدیه، به‌عنوان اظهار ارادت به اینها پول دادند؛ اینها هم پول را گرفتند، نفهمیدند اسم این رشوه است. آنچه که در عالم واقع اتفاق می‌افتد، شبیه یکدیگر است؛ منتها متفطن شدن به اینکه اسم این رشوه است یا نه، مهم است. شما در جایی قرار داری که می‌توانی یک کاری را بر طبق میل فردی

۱. ابوطالب خدمتی، مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲، صص ۱۶ و ۱۷.
۲. همان، ص ۸۹.

انجام دهی، او می‌آید این جور دستت را هم می‌بوسد و به شما پول می‌دهد. خوب، این اسمش رشوه است؛ رشوه حرام همین است»^۱.

۲. کلاهبرداری

کلاهبرداری در لغت به معنای با فریب و دروغ، مال دیگران را گرفتن، شیادی و حقه‌بازی است. در حقوق، کلاهبردار به کسی گفته می‌شود که مال کسی را با ابزار و وسایل متقلبانه از دست او بیرون آورد. در رابطه با جرم کلاهبرداری به سه رکن قانونی، مادی و معنوی مانند همه جرم‌های دیگر توجه می‌شود. به‌طور معمول، جرم کلاهبرداری از جرائم مرکب است که شامل: جرم جعل اسناد عادی یا رسمی، ارائه فاکتورهای صوری به بانک‌ها و مؤسسات مالی برای اخذ تسهیلات، غیرواقعی جلوه دادن وضعیت مالی خود در قراردادهای منعقد شده با دستگاه‌های دولتی مانند ارائه صورت‌های مالی غیرواقعی، ترسیم شرایط غیرواقعی از فعالیت‌های خود، سوءاستفاده از وجوه سپرده شده برای خرید سهام از سوی سرمایه‌گذاران به مؤسسات کارگزاری بورس، تظاهر به داشتن تخصص یا تجربه در موضوعی خاص، انعقاد قرارداد و اخذ وجه مالی از طرف دولت، حضور یک شخص حقیقی در مناقصه‌ها و مزایده‌ها به اسم چند شرکت و فراهم‌سازی شرایط صوری برای آن می‌شود.^۲

۳. اختلاس

اختلاس در لغت به معنای ربودن، به زور ربودن و سلب کردن است. در عبارت حقوقی عبارت است از: برداشت وجوه، مطالبات، حواله‌ها، سهام، اوراق بهادار و سایر اموال متعلق یا اموال در اختیار اشخاص مذکور.

اختلاس در ماده (۵۹۸) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری از سوی کارمند دولت و سایر سازمان‌های مذکور در ماده فوق‌الذکر می‌تواند به نفع خود یا دیگری انجام شود. امام (ره) در خصوص اختلاس، تزییع حقوق مردم و توجه به شناخت و مبارزه با آن اختلاس را مصداق حرام‌خواری نام برده و می‌فرماید: «اکل سحت»، یعنی حرام‌خواری کنند و مال مردم را غارت کنند. از آنجا که دایره فکر عده‌ای {کم} از دایره همین مسجد تجاوز نمی‌کند و جولان و گسترش ندارد، وقتی گفته می‌شود «اکل سحت»، یعنی حرام‌خواری فقط بقال سر کوجه به نظرشان می‌آید که، العیاذ باللّه، کم‌فروشی می‌کند! دیگر آن دایره بزرگ حرام‌خواری و غارتگری به نظر نمی‌آید که یک سرمایه بزرگ را می‌بلعند؛ بیت‌المال را اختلاس می‌کنند؛ نفت ما را می‌خورند؛ به نام نمایندگی کمپانی‌های خارجی کشور ما را بازار فروش کالاهای گران و غیرضروری بیگانه می‌کنند و از این راه پول مردم را به

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴.
۲. همان، ص ۸۷.



جیب خود و سرمایه‌داران بیگانه می‌ریزند و چند دولت بیگانه نفت ما را پس از استخراج برای خود می‌برند»^۱.

مقام معظم رهبری در دهه هفتاد با توجه به حرکت کشور به سمت سازندگی و رشد و توسعه دغدغه آن را داشتند که چنانچه مراقبت‌ها انجام نشود احتمال دارد در آینده حکومت دچار مشکلات عدیده مادی شده و به معنویت کشور خسران وارد کند، فرمودند: «حال که بحمدالله کشور در راه سازندگی حرکت می‌کند، از عدالت غفلت نکنید تا میدان برای سوءاستفاده‌کنندگان باز نشود. مسئولان قضایی با استحکام دادگاه‌ها و دستگاه‌های قضایی؛ مسئولان اجرایی با دقت در سپردن مسئولیت‌ها، کارها، طرح‌ها، ثروت‌ها به افراد امین؛ مسئولان قوه مقننه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با وضع قوانین مناسب، باید این زمینه را فراهم کنند»^۲.

حال در این سال‌ها مواجه شدن با سوءاستفاده‌های کلان که بعضاً از قوه تصور انسان هم خارج است، نشان از درایت و تدبیر رهبری و توجه به آینده است. عدم توجه به سپردن امور به افراد امین و عدم کنترل و نظارت‌ها باعث شد تا کشور با اختلاس‌ها و سوءاستفاده‌هایی روبرو شود؛ بعضاً افرادی که در چنگال قانون افتادند شروع به توجیه اعمال خلاف خود کردند که جا دارد برای روشن شدن با این مواجهات به چند تعبیر مختلف توجه شود.

وجه تمایز اختلاس و خیانت در امانت این است که اختلاس در ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی به کارمندان دولت اطلاق می‌شود، ولی خیانت در امانت در رابطه با هر شخصی از جمله کارمند دولت و غیر آن است.

وجه تمایز اختلاس و کلاهبرداری این است که در کلاهبرداری فرد مستقیم با صاحب مال یا نماینده وی روبرو است، ولی در اختلاس وجه مربوطه در اختیار کارمند دولت است. وجه تمایز اختلاس با سرقت این است که در سرقت، مال متعلق به دیگری در خفا برده می‌شود، ولی در اختلاس افراد به جهت جایگاه کارمند دولت و اعتماد به سازمان مربوطه مال خود را رأساً در اختیار او می‌گذارند.

برای تحقق اختلاس وجوه یا اسناد، وجه نقد الزامی نیست تا کارمند دولت قصد کند که وجوه را به‌طور دائمی یا برای مدت معینی برداشت کند، بلکه به محض برداشت و تصاحب و استفاده، اختلاس تحقق می‌یابد.

شخص اختلاس‌کننده ممکن است برای سرپوشی بر روی اعمال خود و کسب اموال نامشروع و به‌منظور جلوگیری از کشف اعمال خود اسنادی را جعل کرده که آن لازمه تحقق اختلاس نیست.^۳

۱. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، متن ۱۱۴، سایر مؤیدات ص ۱۰۶.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی (ره) مشهد مقدس رضوی، ۱۳۷۶/۱/۱.
۳. ابوالفضل همدی خطبه‌سرا، فساد مالی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۹۳.

فصل ششم - مصادیق فساد از نظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

مصادیق فساد

امام خمینی (ره) با نگرش ژرف و دوراندیشی خود که زبازد خاص و عام بود و با توجه به اخلاق در حوزه سیاست و حکومت این اندیشه را بیان داشته‌اند که اگر حاکم و کارگزاران به اخلاق توجه داشته باشند دچار تراحم اخلاقی نمی‌شوند با ادعای کمک به فقرا دزدی نمی‌کند و با ادعای خدمت به مردم دروغ نمی‌گویند. این تراحمات اخلاقی بسیار پیچیده‌اند.^۱

ایشان با توجه به این نکته که بهشت را اعمال انسان‌ها آباد می‌کند و جهنم نیز براساس همین اعمال آتش افروز می‌شود، صراط الهی را همین دنیا دانسته‌اند. همان صراطی که یک طرفش دنیاست، یک طرفش آخرت. ایشان اعتقاد داشتند ما الان در صراط در حرکت هستیم و زمانی که پرده برداشته شد، آن وقت صراط جهنم که از متن جهنم می‌گذرد. یعنی آتش دورش را گرفته، از وسط اینجا می‌گذرد و باید از آن عبور کرد. دنیا همین جور است. فساد که همان آتش است بر انسان بدکار احاطه یابد، پس باید از بین فساد عبور کرد. بنابراین انسان باید جواری زندگی کند که از این آتش به دور باشد، به طوری که سالم عبور کند. همانطور که انبیا عبور می‌کنند.^۲ توجه امام (ره) به اعمال انسان‌ها در همین دنیاست که بی‌توجهی به مسیر درستی و عدالت در این دنیا آتش جهنم را برای انسان مهیا خواهد کرد.

امام (ره) هشدارهایی را به علمای حوزه‌های علمیه و آحاد مردم داده و در این زمینه فرموده‌اند: «ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد به حب دنیا برمی‌گردد و اگر در میان شما هم چنین اختلافاتی وجود دارد، برای آن است که حب دنیا را از دل بیرون نکرده‌اید. از آنجا که منافع دنیا محدود می‌باشد، هر یک برای به دست آوردن آن با دیگری به رقابت برمی‌خیزد. شما خواهان فلان مقامید، دیگری نیز همان مقام را می‌خواهد، قهراً منجر به حسادت و برخورد می‌گردد. لیکن مردان خدا که حب دنیا را از دل بیرون کرده‌اند و هدفی جز خدا ندارند، هیچ‌گاه با هم برخورد نداشته و چنین مصایب و مفاسدی به بار نمی‌آورند. اگر تمام پیامبران الهی امروز در یک شهر گرد آیند، هرگز با هم اختلاف نخواهند داشت؛ زیرا هدف و مقصد یکی است؛ دل‌ها همه متوجه به حق تعالی بوده و از حب دنیا خالی است.

اگر اعمال و کردار شما، وضع زندگی و سلوک شما، این طور باشد که اکنون مشاهده می‌شود، بترسید از اینکه خدای نخواستہ از دنیا بروید و شیعه علی بن ابی طالب (ع) نباشید؛ بترسید از اینکه موفق به توبه نگردید و از شفاعت آن حضرت بی‌نصیب بمانید. پیش از آنکه فرصت از دست برود چاره

۱. سیدحسین خمینی، اخلاق و سیاست در سیره علوی از دیدگاه امام خمینی (ره) (مجموعه مقالات)، تهران، عروج، ۱۳۹۳، ص ۲۱.

۲. روح... خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه نشر و آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ص ۳۴۹.



بیاندیشید و از این اختلافات مبتذل و رسوایی دست بردارید. این جبهه‌گیری‌ها و دوئیت‌ها غلط است. مگر شما اهل دو ملت هستید؟ مگر مذهب شما شعب مختلف دارد؟ چرا متنبه نمی‌شوید؟ چرا با یکدیگر صفا و صداقت و برادری ندارید؟ آخر چرا؟...»^۱

بنابراین بی‌توجهی به فرمایش امام (ره) توسط مسئولین در درجه اول و آحاد مردم در درجه دوم باعث می‌شود آینده کشور به مخاطره بیفتد و انصاف و عدالت از کشور خارج شود و به جای آن دورویی و نفاق جای بگیرد، کلام امام (ره) کلام گوهرباری است که توجه به آن شرف و سربلندی را برای کشور به ارمغان خواهد آورد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز با اشراف بر موضوعات مختلف و نگاه عمیقی که نسبت به مسائل دارند، مخصوصاً حساسیت بالا که برای سلامت کشور چه در حوزه فرهنگی و اجتماعی و چه در حوزه‌های دیگر قائل هستند، گوشزدهایی را در رابطه با موضوع فساد به مردم و مسئولان داشته‌اند، ایشان برای تبیین و درک بهتر مسئله فساد و ضررهایی که روش‌های مفسدانه بر کشور حاصل می‌کند گفته‌اند: «فساد چیست؟ فساد انواع و اقسامی دارد: دزدی فساد است، خیانت فساد است، وابستگی فساد است، زورگویی فساد است، انحراف‌های اخلاقی فساد است، انحراف‌های مالی فساد است، دشمنی‌های بین خودی‌ها فساد است، گرایش به دشمنان دین فساد است، علاقه نشان دادن به امور ضددینی فساد است. همه چیز در سایه دین به وجود می‌آید.

ایشان در فرازی می‌فرمایند: «و یا من المظلومون من عبادک»؛ بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند. منظور، مظلومان جامعه است، نه ستمگران، نه ستم‌پیشگان، نه مداحان ستم، نه عمه ستم! «مظلومان»، مردمانی هستند که دست‌وپایی ندارند؛ راه به جایی ندارند. هدف این است که مردمان مستضعف جامعه و انسان‌های ضعیف در هر سطحی و در هر جایی امنیت پیدا کنند: امنیت حیثیتی، امنیت مالی، امنیت قضایی؛ همین که امروز در دنیا نیست. امام حسین (ع) درست نقطه مقابل آن چیزی را می‌خواست که در زمان سلطه طاغوت در آن روز بود. امروز هم در سطح دنیا که نگاه می‌کنید، می‌بینید همین است؛ پرچم‌های دین را وارونه می‌کنند، بندگان مظلوم خدا را مظلوم‌تر می‌کنند و ستمگران، پنجه‌شان به خون مظلومان بیشتر فرو می‌رود».^۲

ایشان برای تبیین فساد در حوزه اقتصادی و آثار آن بر کشور در جای دیگر می‌فرمایند: «فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیافتند و کیسه‌های خود را پُر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی اینکه خزانه این کشور که باید صرف مردم شود- یعنی صرف ساختن پُل و راه و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم- به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی یعنی

۱. روح... خمینی (ره)، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، جهاد اکبر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، چاپ چهاردهم، ص ۱۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم الحرام، ۱۳۷۸/۱/۲۳.

سه یا چهار سال، ده‌ها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره حق به‌جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پول‌ها را به چنگ آورد.

تجمیع ثروت برای یک فرد یا جمع خاصی می‌تواند ضررهایی برای کشور ایجاد کند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

ضرر اول - بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و زیاده‌طلب می‌رود.

ضرر دوم - کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند.

ضرر سوم - آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند به‌طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسئولان و هرکسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد، مسلماً هرکسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند.

ضرر چهارم - وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زیدگان رایج شد، گناه رایج می‌شود و در نسل‌های بعد نیز اثر وضعی دارد.

ضرر پنجم - وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند.

مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. من از مسئولان کشور خواهش می‌کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند.^۱

فصل هفتم - شاخص‌های کارگزاران نظام اسلامی

شاخص‌های کارگزاران

نظام و حکومت برای اداره کشور خود به کارگزارانی در سطوح مختلف نیاز دارد که شرایط و خصوصیات الزامات آن حکومت را دارا باشند. حکومت اسلامی نیز در این چارچوب قرار دارد. توجه به قانون اساسی کشور و دلایل تشکیل نظام جمهوری اسلامی خود شاخص‌های انتخاب کارگزاران و مدیران را در ابعاد اسلامی، دینی و تخصص آن به‌عنوان شاخص اصلی حاکمیت مردم‌سالاری دینی معین کرده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.



شاخص اول - توجه به تزکیه و تربیت اسلامی است. امام (ره) فرمودند: «انبیا آمده‌اند که انسان را طوری تربیت کنند که مادیات هم در مهار معنویات باشد»^۱.

شاخص دوم - با وقار بودن و داشتن سعه‌صدر در پرتو نرمخویی است. یعنی در حکومت اسلامی کارگزار و حاکم باید مدیری خویشتن‌دار بوده و با مردم و کارکنان خود مدارا کند.

شاخص سوم - یک مسئول و کارگزار باید در اندیشه سختکوشی در کار و جدیت و اهتمام در به ثمر رساندن امور به نتیجه باشد. او باید با زمان‌شناسی و وقت‌شناسی مسیر رشد و تعالی سازمان خود را فراهم کند.

شاخص چهارم - در امور، تدبیر داشته باشد. اگر حاکمی با تدبیر و درایت عمل نکند باعث انحراف یک سازمان در بعد کوچک‌تر و یک کشور در بُعد وسیع‌تر شده که در این صورت شاید برگشت به مسیر اصلی هزینه‌های سرسام‌آوری را ایجاد کند.

شاخص پنجم - کارگزار حکومت اسلامی امور خود را باید به کسانی تفویض کند که انسان‌هایی پارسا، باتقوا، شکیب‌ا، باتجربه، ریشه‌دار و به دور از بخل‌ورزی باشند.

شاخص ششم - برای یک مدیر و مسئول، داشتن برنامه برای سازمان خود و تهیه اهداف دست‌یافتنی و قابل اجرا در زمان خود است. همچنین مدیر باید مسیر رشد و تعالی کارکنان را از طریق آموزش‌های تخصصی و عمومی فراهم کرده و آرامش را در سازمان ایجاد کند.

شاخص هفتم - یک کارگزار نباید چیزی را که بهره همه مردم در آن قرار دارد (بیت‌المال) به خود اختصاص داده یا باعث سوءاستفاده دیگران از آن شود.

شاخص هشتم - کارگزار حکومت اسلامی وقتی بر جان، مال و ناموس مسلمانان مسلط می‌شود و اجرای احکام الهی و رهبری را می‌پذیرد باید از بخل، ستمکاری، رشوه‌خواری و آزار دادن بپرهیزد، اهل تقوا باشد، علوم الهی را بداند و عدالت را رعایت کند.

شاخص نهم - برای کارگزار داشتن توان ایجاد و گسترش رابطه اخلاق و کارآمدی در نظام است. او باید بتواند راهبری در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اداری را به درستی انجام داده و از ابزارهای روز دنیا برای توسعه سازمان و نهاد خود به خوبی استفاده کند و هنجارها و ناهنجارها را به درستی تشخیص دهد.^۲

شاخص دهم - یک حاکم اسلامی باید روحیه و اخلاق خوش داشته باشد. او باید توان کنترل عصبانیت خود را داشته و در تمام امور و زمان‌ها با صداقت و درستی سخن بگوید. گزارش‌های عملکرد خود را به درستی ارائه داده و از دادن آمارهای کذب که باعث انحراف افکار جامعه خواهد شد، بپرهیزد.

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری [در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه پاسداران همدان (تهذیب نفس)]- ۲ تیر ۱۳۵۸ / ۲۸ رجب ۱۳۹۹.

۲. حسن صالح‌نژاد، درآمدی بر ابرار و شاخص‌های کارآمدی حکومت، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴، ص ۲۰.

شاخص یازدهم - کارگزار حکومت باید مبارزه با فساد را در هر سطح در همان اوایل شکل‌گیری، تشخیص و ریشه‌کن کند و از قدرت‌ها و نفوذ دست‌های فاسد، هراسی به دل راه نداده و فقط به خداوند متعال توکل کند.

فصل هشتم - وظیفه سیاست‌گذاری و نظارتی در مبارزه با فساد

ریشه مفهوم نظارت

نظارت در زبان عربی به معنای زیرکی و فراست بیان شده و در فارسی به معنای نظر کردن است. در قرآن با معانی مختلفی نیز از جمله عیون، نظر نیز معنا شده است.^۱ نظارت کردن به معنای دقت و تأمل کردن در چیزی یا پاییدن و مراقبت کردن هم معنا شده است. یعنی عمل فرآیند رسیدگی و بازرسی یا تماشا کردن برای به‌دست آوردن اطمینان درست انجام دادن فعلی، واژه هم معنای نظارت در عربی «الرقابه» آورده شده است.^۲ با این معانی از نظارت مشخص می‌شود که امر نظارت یک نوع پیشگیری از انحراف در امور است که این امور می‌تواند در هر دو بخش عمومی یا بخش خصوصی به‌طور جدی مورد توجه قرار بگیرد.

نظارت در حکومت و چارچوب شناخت مبارزه با فساد

خداوند به‌عنوان اولین ناظر بشر را این‌گونه معرفی می‌نماید: «خداوند چشمی از چشم‌ها را که خائن باشد می‌شناسد و بر آن نظارت دارد».^۳ و چشم خیانتکار چشمی است که ناظر بر چیزی است که عادی بدان اشراف و اطلاع ندارند و به جهت فعل نظارتش تخلفی را می‌بیند و با اخذ رشوه یا وعده‌ای آن را عمداً گزارش نمی‌کند و به سازمان و حکومت خود خیانت می‌کند.^۴ خداوند انبیا و رسولانی را برای امر هدایت و نظارت بر انسان‌ها فرستاد تا سیر تکاملی خلقت را با سمت‌وسوی درک انسان‌ها براساس فراعور زمان و مکان تکمیل کند، تا جایی که خداوند بر پاک‌ترین انسان‌ها یعنی انبیا نیز نظارت کرده و به انسان‌ها فهمانده که هیچ‌کس از مسیر نظارت نباید کنار گذاشته شود.^۵ با توجه به آیات شریفه قرآن و سیره ائمه معصومین (ع) در خصوص نظارت بر کارگزاران بدون شک در گلوگاه‌های فساد، نظارت دقیق بر کارگزاران توسط افرادی امین و خداترس و متخصص به امور انجام گیرد.

۱. محمد توکلی، نظارت کارآمد و کارآمدی نظارت، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، ص ۱۵.
 ۲. قاسم جعفری، مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان با تأکید بر نظر امام خمینی (ره)، تهران، پژوهش‌کنده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۲.
 ۳. غافر، آیه ۱۹.
 ۴. محمد توکلی، نظارت کارآمد و کارآمدی نظارت، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، ص ۱۲.
 ۵. همان، ص ۱۴.



همچنین اصول مختلف قانون اساسی کشور از جمله: «۱۷۴، ۱۷۳، ۱۴۱، ۱۱۰، ۹۰، ۷۶، ۵۵، ۴۹، ۴۳ و ۳» به کنترل و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی اشاره شده و همچنین تأکید بر مبارزه با مظاهر فساد شده است. از جمله مبارزه با اختلال در نظم اقتصادی، تباهی سرمایه‌های ملی، ایجاد انحصارطلبی توسط رانتهای دولتی و تبدیل به شرکت‌های خصوصی، احتکار در زمان جنگ و تحریم، ایجاد کمبودهای ساختگی با زدوبندهای سیاسی، ارتباطات ناصحیح با بعضی واردکنندگان و صادرکنندگان، ربا، معاملات باطل و حرام با وارد کردن اجناس ضدفرهنگی و انحراف بین مردم، اسراف و تبذیر، رشوه، اختلاس، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، تجاوز به اراضی طبیعی به بهانه کشاورزی و تبدیل به باغات و ویلا برای خوشگذرانی‌های اعیان و اشراف.

عوامل ذکر شده می‌توانند به فساد منجر شوند که اگر جلوی آن گرفته نشود تبدیل به سیل خروشان خواهد شد که ثبات نظام و حکومت را به مخاطره می‌اندازد.

یکی از دلایل پدیداری انقلاب اسلامی مردم ایران، فساد بسیار گسترده حاکم بر دربار شاه و طاغوت زمان بود که امام (ره) به آن اشاره داشته و فرموده‌اند: «رژیم شاه با صرف هزینه‌های گزاف، بعضی از مطبوعات غرب را در خدمت خود درآورده است و برای انحراف اذهان غرب از مسائل اصلی که یکی از مهمترین آنها رفتن شاه و بستگان ستمگر او و کوتاه شدن دست اجانب است، دست به تبلیغات خالی از حقیقت زده است. این شاه است که آزادی را از ملت، چه مرد و چه زن، سلب کرده و اجازه نفس کشیدن به هیچ‌کس را نمی‌دهد. این شاه است که برای به فساد کشیدن قشر جوان ما سینماها را با برنامه استعماری رایج کرده و دختران و پسران ما را بی‌عفت و غافل از وضع اسفبار کشور می‌خواهد بار بیاورد»^۱.
مقام معظم رهبری دلیل انقلاب را این گونه توصیف فرموده‌اند: «انقلاب ما دارای دو بُعد بود: بُعد داخلی و بُعد خارجی. در بُعد داخلی، ملت فداکار ایران زندگی دست‌ساخته فرهنگ غرب و آلوده به فساد قدرت‌های استکباری را به زندگی اسلامی که آرزوی همه مردم ایران بود، تبدیل کرد... اهمیت بُعد خارجی انقلاب، کمتر از بُعد داخلی آن نیست»^۲.

این نکته‌ها نشان از آن دارد که وجود فساد در کشور در ابتدا باعث ایجاد بی‌عدالتی شده و این بی‌عدالتی آرام آرام تبدیل به بی‌تفاوتی مردم و سپس بی‌تفاوتی‌ها تبدیل به ناآرامی‌ها و نهایتاً منجر به اعتراضات در سازمان‌ها می‌شود و در آخرین مرحله به اعتراضات خیابانی تبدیل می‌شود.

در فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب آمده: «... خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به‌وسیله قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه مجریه و قضائیه است. قوه مجریه با نظارتی سازمان‌یافته، دقیق، بی‌اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۷۱.

۲. سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم بیعت افشار مختلف مردم استان‌های ایلام و فارس و گروهی از طلاب پاکستانی، ۱۳۶۸/۴/۱۳.

پیشگیری کند و قوه قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد...»^۱

این فرمان توجه تمامی ارکان نظام را به مبارزه جدی در خصوص جلوگیری از گسترش فساد در کشور فرا می‌خواند تا با این پدیده شوم برخورد کرده و مفسدین را به دستگاه‌های نظارتی معرفی کنند. در اینجا سؤال مطرح می‌شود، چرا با وجود چنین فرمانی که دست تمام قوا و نهادها را برای مبارزه با فساد باز گذاشته، از آن زمان تاکنون بر کثرت فسادهای کشور در تعداد و چه در مقدار افزوده شده است؟ آیا اراده‌ای برای مبارزه با فساد وجود نداشته یا امکانات و تجهیزات لازم در اختیار مجریان نبوده است؟ آیا قوه مقننه نتوانسته است با ایجاد یک روند قانونی صحیح سازوکار جدی این مبارزه را فراهم کند؟ آیا قوه مجریه اراده قوی برای برخورد نداشته است؟ آیا قوه قضائیه نیروهای کارآمد به اندازه کافی نداشته و نتوانسته است نیروی لازم را تأمین کند یا وسوسه‌ها نتوانسته پاکدامنی را برای بعضی از برخوردکنندگان ایجاد کند؟

وظیفه سیاستگذاری در مبارزه با فساد با چه کسی است؟

سیاستگذاری از باب وضع قانون و ایجاد راهی برای مبارزه با فساد در سطح وسیع، وظیفه قانونگذار است که تمامی قوانین چه در حوزه مجازات و چه در حقوق مدنی و چه در حوزه‌های اقتصادی و پولی را بررسی کرده و آسیب‌ها و گذرگاه‌های نفوذ را شناسایی و مسدود می‌کند. مرحله بعدی به منظور اجرای قوانین احتیاج به تهیه سیاست‌های لازم و بخشنامه‌های مربوطه و آیین‌نامه‌هایی اجرایی دارد که از وظایف دولت محسوب می‌شود.

وظیفه نظارتی مجلس در جلوگیری از بروز فساد

یکی از عامل‌های مهم مبارزه با فساد، وظیفه نظارتی مجلس است. مجلس عموماً در تمامی کشورها به دلیل جایگاه ویژه خود که برآمده از متن مردم است به منظور توسعه عدالت بر قوه مجریه نظارت‌های خاص و عام دارد.

مجلس به خاطر اهمیت جایگاه نظارت خود بر قوه مجریه که به عنوان بزرگترین پیمانکار امور اجرایی در کشور قلمداد می‌شود، چنانچه وظیفه قانونی خود را به خوبی انجام دهد، می‌تواند مانع شکل‌گیری بسیاری از مفاسد در کشور شود. البته با خودنظارتی و مراقبت نمایندگان مجلس در ارتباط‌گیری‌ها با بدنه دولت می‌تواند شاخص فساد را در کشور به شدت پایین آورد. زیرا نمایندگان می‌توانند دلالت‌های

۱. مقام معظم رهبری، فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱.



مافیای ثروت را شناسایی کنند و با ایجاد فضای رانتخواری که باعث توسعه ثروت‌اندوزی احزاب یا افراد خاص می‌شوند، مبارزه کنند.

امام (ره) در بُعد نظارتی مجلس که باعث بهبود حکمرانی و کارآمدی بیشتر می‌شود، توجه عمیق داشته و در بیانات و دستورات خود به نمایندگان سفارش نموده‌اند و در وصیتنامه سیاسی- الهی خود این‌گونه فرموده‌اند: «از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم اگر خدای نخواستہ عناصر منحرف با دسیسه و بازی سیاسی، وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کند و نگذارد حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد»^۱.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص مراقبت از نمایندگان مجلس و جلوگیری از خطاهای احتمالی فرمودند: «آن نماینده‌ای که وارد مجلس می‌شود، بایستی یک انسان صالح باشد؛ حالا در چه حدی از معرفت و علم و توانایی باشد، چیزهایی است که قانون معین کرده و مردم طبق آنچه که صلاحشان هست، ان‌شاءالله تشخیص خواهند داد و تصمیم‌گیری خواهند کرد؛ لیکن شما به‌عنوان یک ابزار اطمینان، نگذارید که خدای ناکرده در این طریق اختلالی به وجود بیاید. اگر کسی فاسد است و اقدام به فساد مالی، اخلاقی یا فساد عقیدتی و سیاسی می‌نماید یا اگر کسی فتنه‌گری می‌کند، نظام را تضعیف می‌کند و کارایی دستگاه‌ها را از آنها می‌گیرد - به تعبیر رسایی که بین مردم رایج است: چوب لای چرخ دستگاه می‌گذارد، واقعاً نمی‌تواند در آن تریبون به آن عظمت حضور پیدا کند؛ او نباید وارد مجلس بشود. ...»^۲.

فصل نهم - جرم‌شناسی فساد

جرم‌شناسی

جرم‌شناسی معاصر تا حدودی برگرفته شده از نظریات و مطالعات دوگرف^۳ است. این روانشناس و جرم‌شناس بلژیکی که در دهه ۱۹۳۰ زندگی می‌کرده به این نتیجه رسیده که شخصیت انسان‌ها یکی از عوامل مهم انجام جرم است.

در همان زمان جرم‌شناس و پزشک سوئدی کینبرگ نیز رابطه شخصیت فرد و انجام جرم را رابطه مستقیم و مهم دانسته و اظهار داشته: «وقتی قرار است اندیشه به عمل تبدیل شود، اگر کشش به سوی ارتکاب جرم از مقاومتی که در برابر این کشش ایجاد می‌شود، قوی‌تر باشد جرم اتفاق می‌افتد».

در اینجا سؤالی مطرح است که بر فرض صحت، وقتی شخصیت انسان‌ها تأثیر بسزایی در رفتار انسان‌ها دارد، حال باید بررسی کرد که کدام کانون شخصیت انسان‌ها را شکل می‌دهد؟ آیا فقط کانون خانواده مسئول شخصیت‌سازی است و دولت در راستای آموزش‌های خانواده سعی و تلاش خود را به

۱. آرش عابدینی، بررسی مسئله قانون و قانونگذاری (با محوریت اندیشه امام خمینی (ره))، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱، ص ۳۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس ۱۳۷۰/۱۲/۴.

3. De Greeff

صورت کامل انجام داده است تا معضل رفع جهل در تربیت و شخصیت کودکان و جوانان در خانواده‌ها از بین برود؟ یا اینکه نظام آموزشی ما می‌بایست با تربیت و آموزش درست فرزندان و خانواده‌ها نسبت به پرورش شخصیت انسان‌ها اقدام کند؟ آیا برنامه‌های آموزشی ما منطبق با تعالیم روح‌بخش اسلام است؟ آیا نهاد آموزشی کشور توانسته وجدان پاک انسان‌ها را که ودیعه الهی در نهاد انسان بوده را به درستی پرورش دهد؟ یا اینکه با یک‌سری برنامه‌های بی‌نتیجه، بی‌تأثیر یا کم‌تأثیر و به صورت کلیشه‌ای از سالیان سال بهترین لحظات عمر انسان را هدر داده و می‌دهد؛ این موضوعی است که دست‌اندرکاران تدوین قوانین و مجریان این نهاد بسیار مهم می‌بایست واقعاً چاره‌جویی کنند.

در برخوردها همیشه متخلف را کسی می‌دانیم که عمل بزه را انجام داده، ولی هیچ‌وقت به دنبال شناسایی اسبابی که باعث بروز این بزه یا رفتارهای بزه‌گونه شده نبوده‌ایم. به همین جهت رفتارهای نادرست کم‌کم تبدیل به یک عادت و عرف شدند.^۱ یعنی اعمال زشت و ناپسند انجام شده را کوچک و بی‌ارزش جلوه دهند، در عبادات کوتاهی کنند و در انجام گناه و جرم باکی نداشته باشند.^۲

در طبقه‌بندی آبراهامسن روانپزشک آمریکایی مجرمین به دو گروه حاد و مزمن تقسیم می‌شوند:

مجرمین حاد: افرادی‌اند که یک یا دو بار مرتکب جرم کوچکی می‌شوند و عموماً دارای شخصیت ضداجتماعی بارزی نیستند، غالباً پس از دست زدن به جرمی احساس پشیمانی می‌کنند، عموماً خطرناک نیستند و افراد نیازمندی‌اند که برای رفع حاجات شکم و از روی نیاز خلافی انجام می‌دهند، براساس شرایط محیطی یا تأثیر گرفته از دوستان و همنشینان یا از روی تفریح با تعدادی متخلف همراه می‌شوند و ناخواسته وارد جریان فساد و جرم می‌شوند.

مجرمین خطرناک: دارای خصوصیتی اعم از: روان‌پریشی یا روان‌رنجوری، احساس حقارت‌های سنگین کرده و غالباً در بزهکاری عقل سلیمی ندارند؛^۳ این گونه افراد خطرناکند و از هر فرصتی برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کنند و پس از ارتکاب جرم یا حین آن هیچ‌گونه آثار پشیمانی ندارند و چه بسا باعث بشوند که بسیاری افراد خودآگاه یا ناخودآگاه مرتکب جرم شوند، ولی آنها از خود هیچ سرنخی به‌جا نمی‌گذارند به تمام راهکارهای فرار نیز آشنایی دارند به همین جهت گروه کمی از آنها دستگیر و بیشتر آنها نیز هیچ‌وقت شناسایی نمی‌شوند.

یکی از راهکارهای مهم به‌منظور برون‌رفت از این مسائل و عدم تکرار آنها بازنگری در قوانین است. بدین صورت که باید در هر حوزه‌ای که جرمی اتفاق افتاده است نسبت به بازنگری قوانین آن حوزه اقدام شود. به‌طور مثال اخیراً رهبر معظم انقلاب در خصوص حفظ محیط زیست و عدم توجه به حفظ حراست از این دست‌آورد الهی که به جهت بی‌توجهی یا هر علت دیگر مشکلات عدیده‌ای را برای جامعه به‌وجود

۱. علی‌حسین نجفی ابرنآبادی و حمیدها شمبیک، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۴.

۲. مهدی شعبانی و روح‌ا... گایینی، نصیحت‌های شیطان، تهران، محمد امین، ۱۳۹۱، ص ۷۹.

۳. همان، ص ۶.



آورده و منجر به زمین‌خواری و کوه‌خواری شده است مطالبی را فرمودند: «[پس] اولاً تهیه سند ملی برای مسائل محیط زیست؛ [و بعد] همکاری دستگاه‌ها که اول اشاره کردم که همه دستگاه‌ها باید به جد با همدیگر همکاری کنند؛ [و بعد] پیوست محیط زیستی برای همه برنامه‌های سازندگی یعنی اینکه همه برنامه‌های سازندگی از شهری و صحرایی و صنعتی و بقیه طرح‌ها، حتماً یک پیوست محیط زیستی باید داشته باشد؛ جاده می‌خواهید بکشید، مشخص باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؟ کارخانه می‌خواهد تأسیس شود، باید معلوم باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؛ بعضی از مسائل تجاری، بعضی از نقل و انتقال‌ها و کارهای بازرگانی؛ اینها بایستی پیوست محیط زیست داشته باشد.

جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، دستگاه قضایی و دستگاه‌های ضابط و پیش از آنها قوانین مجلس، باید روی این مسئله تکیه بکنند. البته قوانینی داریم و الان قوانین خوبی هست، منتها بازنگری لازم است؛ بایستی تخریب محیط زیست جرم محسوب بشود و به‌عنوان جرم بایستی تعقیب بشود. پالایش و بازنگری قوانین موجود و تقویت نظارت‌های بی‌اغماض باید انجام بگیرد، هیچ‌گونه اغماضی هم در این نظارت‌ها نباید صورت گیرد و رؤسای دستگاه‌ها شخصاً نظارت کنند و شاید از جهتی از همه مهم‌تر، فرهنگ‌سازی است؛ فرهنگ‌سازی این که مردم بدانند که اهمیت حفظ محیط زیست چقدر است. این را از دبستان باید شروع کنیم، در کتاب‌های درسی؛ باید بچه‌های ما اهمیت مرتع و جنگل و هوا و آب و خاک و دریا و مانند اینها را از کودکی بفهمند و روی آن حساس باشند. حفظ حریم محیط زیست باید جزئی از فرهنگ عمومی بشود. البته نقش رسانه ملی را هم نباید نادیده گرفت، بایستی حتماً رسانه ملی نقش ایفا کند، اما مردم هم می‌توانند کار کنند»^۱.

قوانین مجازات از دیرباز در حکومت ایران بدین صورت می‌باشد که: «مجرم باید مالی را که به‌واسطه جرم تحصیل کرده است (مثل اموال مسروقه و غیره) اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن را به صاحبش بدهد و از عهده خسارتی که وارد آورده است برآید»^۲.

بررسی معنای تخلف، جرم و فساد

تخلف کردن: تخلف در کارکنان دولت عبارت است از: عدم رعایت نظم و انضباط اداری که دارای مصادیق مختلف است که به بعضی از آنان اشاره می‌شود. از جمله: تخلف گمرکی، تخلف اداری،^۳ تخلف پزشکی، تخلف بانکی و مالی.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و فعالان محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز، ۱۷/۱۲/۱۳۹۳.
۲. قوانین جزایی با تمام اصلاحات، تهران، فردین و برادر، ۱۳۱۷، ص ۱.
۳. صفر بیگزاده، فرهنگ تعاریف قانونی، تهران، کلک صبا، ۱۳۹۱، ص ۲۵۳.

جرم: هر فعل یا ترک فعلی است که مطابق قانون برای آن مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی یا تربیتی باشد جرم محسوب می‌شود.^۱ جرم انواع مختلف دارد که می‌توان به جرم پولشویی، جرم تروریستی، جرم علنی و مشهود و جرم مطبوعاتی و... اشاره کرد.

فساد و فاسد: فاسد به کسی گفته می‌شود که برای انجام کاری دست به رشوه دادن یا رشوه گرفتن می‌زند که این عمل را کثیف و غیراخلاقی می‌نامند. با این عمل در واقع جامعه را فاسد کرده و به سمت فساد، تباهی و انحراف سوق می‌دهد.^۲

فساد مالی در قوانین جزایی

جرائم در حقوق جزای اختصاصی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص،

۲. جرائم علیه اموال و مالکیت،

۳. جرائم علیه امنیت و مصالح کشور.

فصل چهارم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان اقتصاد و امور مالی به اصول چهل و سوم تا پنجاه و پنجم اختصاص دارد.

در این فصل اصل چهل و نهم چنین مقرر می‌دارد: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید به رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرع به وسیله دولت اجرا شود».^۳

نحوه اجرای این اصل نیز طبق قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و رسیدگی به جرائم مندرج در این قانون نیز در صلاحیت محاکم ویژه اصل چهل و نهم در دادگاه انقلاب اسلامی می‌باشد.

هم‌اکنون برای رسیدگی به جرائم اختلاس، ارتشا و تحصیل مال از طریق نامشروع به قانون مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام عمل می‌شود.

قانون حاکم بر تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت در حال حاضر مواد (۵۹۸) الی (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ می‌باشد.

۱. همان، ص ۲۰۰.

۲. علی محمد حق‌شناس، حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷، چاپ هشتم، ص ۲۱۲.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۷۳.



همچنین فصل یازدهم از قانون موصوف تحت عنوان ارتشا، ربا و کلاهبرداری در مواد (۵۸۸) الی (۵۹۷) به برخی از مفاسد مالی مأمورین دولتی پرداخته است.

مواد فوق مهمترین اصول و مواد قانونی بوده و در بسیاری از قوانین و مقررات دیگر نیز قانونگذار به موضوع مفاسد مالی مأمورین دولتی توجه ویژه کرده است. از جمله لایحه قانون راجع به منع مداخله وزراء، نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ مجلس شورای ملی سابق و قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹ و لایحه قانونی نحوه استفاده از اتومبیل دولتی و فروش اتومبیل زائد، مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۷ و قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶ و همچنین قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳.

اصلاحات بعدی آن، قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ و قانون نظارت بر مسافرت‌های خارجی کارکنان دولت، مصوب ۱۳۷۳/۶/۲۰ و همچنین قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ و قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۷ و ۱۳۸۰ و مواد دیگر از قانون که مجال طرح آن در این گزارش نیست.

فصل دهم - فساد اقتصادی

مفهوم فساد اقتصادی

فساد اقتصادی به فسادی گفته می‌شود که چون ویروس به بدنه اقتصاد عمومی و خصوصی نفوذ کرده و با از بین بردن امنیت سرمایه‌گذاری در کشور مخاطراتی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تا تمایل برای سرمایه‌گذاری ایجاد نشود و در نظام انحصارطلبی‌ها آغاز شده و سود سرشار از رانت‌خواری‌های دولتی و خصوصی به جیب افراد خاصی برود. این افراد عموماً یا یقه‌سفیدهایند یا وابسته به یقه‌سفیدها و به جهت اشرافی که بر قوانین و مقررات دارند از خود ردپایی نمی‌گذارند.

رهبر معظم انقلاب در این خصوص فرموده‌اند: «من یک وقت گفتم قانوندان‌های قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ‌وخم‌ها و دالان‌های تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند، اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون این که معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود کاملاً منافات دارد»^۱.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰.

فسادهای کوچک و بزرگ اقتصادی

هرگونه قانون‌شکنی چه در سطح بزرگ و کوچک باید مورد توجه قرار گرفته و قانون با آن برخورد کند و دستگاه‌های نظارتی و امنیتی باید به نحوی برنامه‌ریزی کنند تا در امور اجرایی خود سرگرم رسیدگی به تخلفات کم‌اهمیت نشوند و تخلفات و فسادهای بزرگ آنچنان در جامعه ایجاد و اجرا شود که بزرگی آن به چشم نیاید. در اولویت مبارزه با فساد گفته‌اند: «قاچاق یک عنوان عام، وسیع و یک طیف است. مثلاً یک وقت هست که یک نفر فرضاً به خارج از کشور رفته و حالا آمده و یک دستگاه ضبط صوت هم با خودش آورده که مثلاً قاچاق محسوب می‌شود یا مثلاً موقع خروج از کشور، فلان جنس را همراه خودش خارج کرده است. هرچند ورود و خروج آن اجناس طبق مقررات نبوده و البته این یک قانون‌شکنی و تخلف از قوانین است؛ اما معلوم نیست که این خیلی اهمیت داشته باشد که کسی را از صلاحیت ببندازد؛ به خصوص بعد از آن که آثار توبه و انابه هم ظاهر بشود. اما یک وقت هست که یک نفر با یک باند قاچاق ارتباط دارد و اصلاً کارش تمهید مقدمات و تسهیل طرق برای انجام قاچاق است؛ اینها یکسان نیستند. باید واقعاً نگاه کرد، حدود را مشخص کرد و فهمید که صرف عنوان کافی نیست...»^۱

فساد مالی، اقتصادی و اداری

فساد چیزی است که به اعتبار آن در عمل حقوقی نمی‌تواند دارای آثار قانونی باشد. به طور مثال بیع فاسد، در قانون مدنی وقتی با بیع صغیر باشد بیع فاسد بوده و اثری ندارد. در مقابل فساد صحت است.^۲ فساد مالی و اقتصادی شامل سوءاستفاده از قدرت‌های سیاسی، اختیارات اداری و عمل تطمیع کارکنان دولت توسط بخش خصوصی و دولتی می‌شود. فساد مالی از موضوعات جرم‌شناسی است که باید به وسیله علوم دیگر از جمله اقتصاد، مدیریت، حسابداری، جامعه‌شناسی و روانشناسی آثار و علل بروز آن بررسی شود. در بررسی فساد و مبارزه با آن می‌بایست به ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی، روش‌های سیاسی حکمرانان، وضعیت اقتصادی مردم و قوانین اداری توجه ویژه کرد.^۳

طبقه‌بندی فساد براساس انگیزه سازمان‌یافته

در این نوع طبقه‌بندی اهداف خاصی از قبل تعیین شده است. گروهی که با هم پیمان بسته‌اند دست به ارتکاب جرم و فساد می‌زنند، این فساد به هفت دسته تقسیم شده است:

۱. همان.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، چاپ هشتم، ص ۵۰۲.

۳. ابوالفضل همدی خطبه‌سرا، فساد مالی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۱۹.



دسته اول - ارتکاب فساد با انگیزه سیاسی که با قصد جلوه دادن ناکارآمدی نظام انجام می‌گیرد و عموماً با برنامه‌ریزی‌های خارجی صورت می‌پذیرد و توسط خودفروختگان داخلی اجرا می‌شود.

دسته دوم - انگیزه صرف اقتصادی است که در آن افراد به جمع‌آوری ثروت و رفع نیازهای مالی دست می‌زنند که نهایتاً منجر به اشراف‌گری و تجمل‌گرایی می‌شود و چنانچه توسط مسئولان حکومت انجام شود خطراتش به مراتب بسیار بوده و باعث اثرگذاری بر آحاد مردم می‌شود.

امام (ره) در همان دوران آغازین انقلاب هشدار دادند که: «باید تمام ادارات از نخست‌وزیری گرفته تا کوچکترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند».^۱

دسته سوم - فساد فرهنگی که یا برگرفته شده از رفتارهای صرف غربی و مدگرایی است یا برگرفته شده از یک تفکر و ایدئولوژی خاص که از خرده‌فرهنگ‌ها گرفته شده است.

دسته چهارم - فساد با انگیزه اجتماعی است که فرد به جهت وابستگی با گروه یا طبقه خاصی یا ارتباط نسبی و سببی یا متعلق بودن به نقطه خاص جغرافیایی مرتکب می‌شود.

دسته پنجم - مفسدینی که به جهت تأمین هزینه اعمال غیراخلاقی مرتکب فساد می‌شوند.^۲

دسته ششم - انجام جرم و فساد در امور اداری است. در این نوع فساد، افراد از خلأهای قانونی یا دستورالعمل‌های ضعیف صادره سوءاستفاده کرده یا بعضاً برای انجام امور اداری و پیشبرد اهداف سازمان مرتکب فساد می‌شوند.

دسته هفتم - با انگیزه کمک‌های خیرخواهانه انجام می‌شود که از امور دولتی تعدی کرده و مرتکب تخلف و جرم می‌شوند، البته بسیاری از فسادها به صورت ترکیبی از انواع فوق انجام می‌شود که باعث پیچیدگی شناسایی و بررسی فساد می‌شود.^۳

طبقه‌بندی فساد از جهت هزینه و درآمد

این طبقه‌بندی به پنج دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول - متخلفین و مفسدین به اقدامات دست می‌زنند که برای آنها هزینه کمی داشته، ولی برای دولت هزینه بسیاری را ایجاد می‌کند. مانند: اختلاس و کلاهبرداری.

دسته دوم - اقدامات مفسدین هزینه بسیاری را برای ارباب رجوع، کمترین هزینه را برای دولت و بیشترین منفعت را برای متخلفین دارد، مانند اخذ رشوه کارکنان دولت از ارباب رجوع در شهرداری، مالیات، گمرک و

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص، ۲۶۶.
۲. ابوالفضل همدانی، خطبه‌سرا، فساد مالی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۴۵.
۳. همان، ص ۴۶.

دسته سوم - به ظاهر برای دولت و بخش خصوصی هزینه ندارد، لکن برنامه‌ریزان را دچار مشکلات اساسی می‌کند، مانند جابجا کردن سرفصل اعتبارات موضوع ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی.

دسته چهارم - فساد است که بیشترین هزینه را برای دولت و کمترین منفعت و هزینه را برای مجرم و متخلف دارد، مانند اهمال در نگهداری اموال دولتی، هدر دادن اموال دولت و بیت‌المال.

دسته پنجم - به نفع مأمور دولت و ارباب رجوع، ولی به ضرر حاکمیت است. مانند عدم دریافت مالیات یا حقوق عوارض گمرگی و عدم وصول مطالبات بانک‌ها در زمان خود.^۱

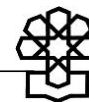
فساد در خصوصی‌سازی با اصل چهل و چهارم قانون اساسی

مدت زمانی است که فاکتور دولتی بودن نهادهای حاکمیت عموماً به‌عنوان فاکتور ایجاد فساد مطرح است و دولت‌ها سعی و تلاش دارند که با زیرکی و چابکی این اتهام و ابهام را از خود دور کنند و امور خود را به نحوی از انحا به بخش خصوصی منتقل کنند. به همین منظور سازمان یا ساختاری به‌عنوان نهاد خصوصی‌سازی ایجاد می‌کنند، لکن باید به این موضوع توجه ویژه داشت که هدف چابک‌سازی و خصوصی‌سازی ایجاد فضای کسب‌وکار در محیط رقابتی بیشتر و با سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است تا در فضایی سالم بتوان رونق اقتصادی بهتری داشت. بنابراین باید مراقبت شود، نهادی که خود برای سالم‌سازی محیط کسب‌وکار ایجاد شده موضوع برای بررسی فساد نشود!

مقام معظم رهبری در خصوص مراقبت‌های لازم و دور شدن دولت از این اتهام می‌فرماید: «بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم می‌شود وسیله نفوذ شیطان، وسیله فریب نفس خود انسانی که دارد نماز شب می‌خواند! همه ایده‌های خوب، همه فکرهای خوب و شریف می‌تواند منفذی بشود برای شیطان. سیاست‌های اصل چهل و چهارم خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتماً باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما مراقب باشند مثل آن نماز شب دام شیطان نشود. از اینجا هم ممکن است شیطان‌ها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدم‌های سوءاستفاده‌چی، قانون‌دان‌های قانون‌شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مأمور و مسئول و رئیس و مرئوس و آدم کوچه و بازار را بیچانند، برای اینکه به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های گوناگون کارخانه را زمین‌گیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین‌آلات فرسوده همان کارخانه، پول فروشش را در بیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلفا و الوف برسند؛ از این کارها شده است، می‌شود؛ باید همه حواسشان جمع باشد».^۲

در اینجا به چند نمونه از راه‌های جلوگیری از فساد اشاره می‌شود:

۱. همان، ص ۴۸.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸.



۱. ایجاد رویه‌های شفاف و خط‌مشی ملی جهت خصوصی‌سازی به‌طور واضح که در آن قوانین و مقررات صریح و روشن آمده باشد. مانند قیمت‌گذاری، نظارت، وصول مطالبات، عدم افشای قیمت‌های پیشنهادی از طریق مزایده.
۲. ایجاد فضایی به‌منظور دسترسی عموم مردم در جامعه در فرآیند خصوصی‌سازی و تصمیم‌گیری و خط‌مشی ملی خصوصی‌سازی در ایجاد فضای اطمینان.
۳. دسترسی عمومی و شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات در تصمیمات دولت.
۴. اخذ نظر از نخبگان جامعه جهت فرآیند خصوصی‌سازی.
۵. شفاف بودن قوانین خصوصی‌سازی و پیش‌نویس قوانین در جلوگیری از ایجاد فضای رانت‌خواری به نظر عموم مردم و نخبگان برسد تا مسیرهای احتمالی فساد از همان ابتدا شناسایی و بسته شود.
۶. انتخاب مسئولان خبره و درستکار در رده‌های ارشد سازمان که دارای توانایی حرفه‌ای و تخصصی باشند.
۷. سازمان خصوصی‌سازی باید مورد ممیزی‌ها و حسابرسی‌های داخلی و خارجی کافی قرار بگیرد و در مقابل کنترل‌های قضایی و پارلمانی پاسخگو باشد.
۸. اقدامات سازمان در سامانه دولت به نظر مردم برسد.
۹. واحد واگذاری شده پس از واگذاری مورد بررسی مالی، حقوقی و قانونی قرار بگیرد.

فساد در شبکه بانکی کشور به بهانه توسعه و پیشرفت

یکی از راه‌های کسب ثروت‌های نامشروع و ایجاد فساد در شبکه بانکی ارتباطات غیرقانونی با این شبکه به بهانه اخذ تسهیلات برای توسعه و آبادانی کشور است. بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان متولیان و سیاستگذاران اقتصادی کشور، تزریق سرمایه به شرکت‌های تولیدی، کارخانجات و بخش خدمات را برعهده سیستم بانکی قرار داده‌اند، به همین جهت سیستم بانکی کشور در کنار تأثیرات بسیاری که بر روی توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توسط تعداد کثیری از تولیدکنندگان گذاشته است و صدها هزار کارمندی دارد که در این بخش صادقانه و با تمام توان در حال خدمت‌رسانی‌اند، لکن طعمه‌ای برای تعداد معدودی از انسان‌هایی که به ثروت‌اندوزی و اشراف‌گری و تجمل‌پرستی خود بیش از توسعه کشور و آبادانی مرزوبوم کشور توجه دارند. به همین جهت مسیر انحراف را برای افراد طماع ایجاد کرده است. این معدود کارکنان توسط بعضی از مشتریان یا مدیران ارشد فاسد مورد طمع قرار می‌گیرند یا مورد تهدید واقع می‌شوند و ناچار می‌شوند جهت اجرای فساد با

سیاستمداران بیمار و صاحبان قدرت همکاری کرده و سیستم بانکی را در اذهان مردم به بدنامی و زدوبندهای سیاسی متهم کنند.

رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی و تصور نشود که مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به‌عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد»^۱ و در جای دیگر نیز ایشان به جهت حیف‌ومیل بیت‌المال که توسط تعدادی از مشتریان بانک انجام می‌شوند اینگونه می‌فرماید: «یک عده‌ای هستند از تسهیلات بانکی، به ناحق و نادرست استفاده می‌کنند؛ برای یک کار تسهیلات می‌گیرند، در کار دیگری آن را مصرف می‌کنند که مصلحت کشور نیست؛ بعد هم بدهی خودشان را با بانک‌ها تسویه نمی‌کنند؛ اینها واقعاً مجرمند. بنده نمی‌گویم هر کسی بدهکار بانکی است مجرم است؛ نه، یکی هست ممکن است بدهکار بانکی باشد، [ولی] کمک هم باید به او کرد؛ هستند مواردی که حتی بدهکارند ولیکن بایستی کمک هم به او بکنند، اما بعضی هم هستند که باید مورد مؤاخذه قرار بگیرند، مورد سؤال قرار بگیرند. این کارها باید در کشور انجام بگیرد. اینها را چه کسی بکند؟ ما در این سال‌ها خیلی هشدار دادیم؛ مسئولین هم خیلی تلاش کردند، اما نه آن هشدارهایی که بنده دادم کافی است، نه آن تلاشی که مسئولین کردند کافی است؛ اینها کافی نیست. باید کار جدی انجام بگیرد؛ مردم هم بایستی کمک کنند به دولت به مسئولین، به قوه قضائیه تا بتوانند این کارها را انجام بدهند»^۲.

نتیجه‌گیری

کشورها با هر نوع حاکمیتی - نظام اسلامی، سرمایه‌داری یا کمونیستی - اعتقاد دارند که داشتن یک اقتصاد سالم برای پیشرفت و توسعه کشور از ضروریات است. به همین منظور با ایجاد فساد در کشور خود به هر نحوی مبارزه کرده و برنامه‌های خاصی را براساس قانون اساسی طراحی و سعی در اجرای درست آن دارند. کشور ایران نیز از این قاعده استثنا نبوده و بی‌شک به این مهم توجه بیشتری کرده است. زیرا یکی از دلایل ایجاد و شکل‌گیری انقلاب اسلامی حذف فساد پیچیده در حاکمیت گذشته بود. انقلاب اسلامی

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت سالگرد قیام بیست‌ونهم بهمن سال ۱۳۵۶ در حسینیه امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.



به این دلیل مهم شکل گرفت و سمت‌وسوی تصویب قانون اساسی و بالطبع قوانین عادی نیز بر همین مبنا بود که کشوری عاری از فساد و مبتنی بر عدالت دینی براساس نص قرآن و سنت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) باشد و در کنار آن نیز هدایت‌ها و فرامین و ابلاغ سیاست‌های رهبر معظم انقلاب نیز بر همین راستا کشور را هدایت کرد. زیرا این امر بود که می‌توانست باعث توسعه‌یافتگی و پیشرفت کشور مبتنی بر عدالت اقتصادی شده و از ایجاد فاصله طبقاتی جلوگیری کند.

با این وصف فساد اقتصادی و اداری به علت نقش و تأثیرات منفی که بر کارایی و اثربخشی در نظام اداری کشورها دارد همواره مورد توجه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند برنامه عمران ملل متحد، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و برنامه شفافیت و پاسخگویی بوده است. ازسوی دیگر تلقی عمومی کشورها از مفهوم فساد اقتصادی و اداری سوءاستفاده کردن از امکانات دولتی به نفع شخصی یا غیر به هر شکل ممکن، تخلفات مربوط به رشوه، رانت‌خواری، تبارگرایی، اختلاس و سوءاستفاده از موقعیت اداری از مصادیق بارز فساد محسوب می‌شوند.

در مبارزه با فساد اقتصادی و اداری باید توجه داشت که اشکال مختلف فساد و ازجمله فساد اقتصادی و اداری به صورت نظام‌مند اتفاق می‌افتد و شبکه‌ای از افراد در آن دخالت دارند. وقتی وقوع فساد نظام‌یافته باشد هرگونه برنامه‌ریزی برای مبارزه با آن نیز باید نظام‌یافته و مستمر و بدون وقفه باشد و نمی‌توان برای مبارزه با فساد با استفاده از راهکارهای خاص به اقدامات درمانی و برخورد با افراد فاسد بسنده کرد و زمینه‌ها و علت‌های وقوع را از بین نبرد یا نمی‌توان صرفاً از راهکارهایی استفاده کرد که موجب اقدامات اصلاحی شده ولی افراد فاسد را به حال خود رها کرد.

با وجود این فساد پدیده‌ای است که در اکثر کشورها با درجاتی وجود دارد، اما وجود آن با هر درجه و میزانی زیانبار است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جوامع وارد می‌سازد، اثربخشی و کارایی را تنزل می‌دهد و با ایجاد موج بدبینی بی‌انگیزگی و تضعیف روحیه افراد درستکار مانع استفاده از استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی برای انجام فعالیت‌های درست می‌شود و از این مسیر رشد و پیشرفت جامعه را با موانع جدی مواجه می‌سازد.

چنانچه کارکنان در سازمان‌ها به رفتارهای فسادآمیز آلوده شوند. در آن صورت زمینه بروز پیامدهای ناخوشایند بعدی هموار می‌شود. در این مورد به‌ویژه مسئله رشوه‌خواری حائز اهمیت فراوان است. در برخی از سازمان‌ها مراجعه‌کنندگان برای رسیدن به منافع شخصی خود متوسل به تطمیع کارکنان می‌شوند. پیامدهای ناخوشایند چنین رفتارهایی نه تنها سبب زیان اقتصاد ملی و از بین رفتن امنیت و به خطر افتادن منافع عمومی یک کشور می‌شود، بلکه کل جامعه را نیز با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

از این‌رو مسئله درستکاری موضوع حساس و مهم تمامی سازمان‌ها محسوب می‌شود، اما برخی از سازمان‌ها زمینه‌های بالقوه برای فساد در آنها فراوان است که می‌توان به تعدادی از آنها از جمله سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی، شهرداری‌ها و سازمان‌های درآمدزای عمومی چون گمرک، نفت و ... اشاره کرد.

محیط‌های سازمانی که زمینه فساد در آنها به صورت بالقوه وجود دارد، چنانچه سیستم‌های مناسب مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و نظارت و کنترل وجود نداشته باشد، می‌توانند به آسانی به سمت فساد میل کنند. فساد حد و مرزی ندارد، بررسی‌ها حاکی از آن است که فساد و اختلاس به قشر یا گروهی خاص و کشور یا جامعه‌ای انحصار نیافته است.

از مجموعه مباحث مطرح شده استنباط می‌شود که هر کجا فساد ریشه بدواند مقابله با آن بسیار دشوار می‌شود و ریشه‌های آن هر روز عمیق‌تر در بطن جامعه نفوذ می‌کند و پیامدهای مصیبت‌باری به دنبال می‌آورد.

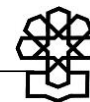
از این مباحث می‌توان یک نتیجه عملی و تجربی گرفت. مبارزه با فساد هنگامی می‌تواند موفق باشد که به صورت برنامه‌ریزی شده، یکپارچه و هماهنگ و با اراده کامل در تمام سطوح نظام انجام گیرد و از حمایت مردم و سطوح بالای حاکمیت نیز برخوردار باشد.

با این رویکرد مجازات مرتکبان فساد و افزایش شدید هزینه ارتکاب به فساد (به‌عنوان اقدام پس از وقوع) و اصلاح روش‌ها، بهبود سیستم‌های کاری، شناسایی و حذف نقاط مستعد فساد، افزایش شفافیت و پاسخگویی در عملکرد سازمان‌های دولتی و به‌طور کلی اصلاح نظام اداری (به‌عنوان اقدام پیش‌نگر) دو روی سکه مبارزه موفق با فساد تلقی می‌شوند و مکمل یکدیگرند و هیچ‌یک به تنهایی کارساز نخواهد بود.

راه‌حل مقابله با این سرطان اجتماعی نیاز به یک عمل جراحی عمیق و همه‌جانبه دارد. زیرا با انجام یک اقدام آن هم به‌طور سطحی و موضعی نه فقط مسئله را حل نمی‌کند، بلکه مسئله دشوارتر می‌شود.

پیشنهادها

۱. تهیه برنامه استراتژیک، تعیین اهداف بلندمدت با استفاده از تجربه‌های جهانی مبارزه با فساد و نتایج حاصل از برگزاری کنفرانس‌ها و گردهمایی‌ها و تجربیات کشورهای موفق در برخورد با فساد.
۲. تشکیل مجتمع تخصصی قضایی مستقل در وزارتخانه‌ها و بررسی و برخورد سریع با عاملان فساد و تخلف.
۳. ایجاد واحد مستقل و دائمی برای مبارزه با فساد اقتصادی و اداری و کوچک‌سازی دیگر سازمان‌های مربوطه و پیروی از این واحد زیرنظر بالاترین مسئول کشور که رهبری جامعه است.

**منابع و مأخذ**

۱. قرآن کریم.
۲. اسماعیل احمد عمایره و مصطفی السید، عبدالحمید، مُعْجَمُ الْأَدْوَاتِ وَالضَّمَائِرِ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ هـ ق.
۳. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، متن ۱۱۴، سایر مؤیدات
۴. امام خمینی (ره) صحیفه امام، ج ۳، ۶ و ۲۲.
۵. امین، سیدمحسن. سیره معصومین، ترجمه علی حجتی کرمانی، جلد اول، تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶، چاپ دوم.
۶. انواری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، جلد ششم، چاپ دوم.
۷. آریانیپور کاشانی، عباس. فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، جلد اول.
۸. بندر ریگی، محمد. فرهنگ عربی به فارسی ترجمه مُنْجَدُ الطَّلَابِ، تهران، افست، چاپ ششم، ۱۳۵۸.
۹. بیگزاده، صفر. فرهنگ تعاریف قانونی، تهران، کلک صبا، ۱۳۹۱.
۱۰. توکلی، محمد. تهاجم فرهنگی، جلد چهارم، تهران، نگین سبز، ۱۳۸۸.
۱۱. توکلی، محمد. نظارت کارآمد و کارآمدی نظارت، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، چاپ هشتم.
۱۳. جعفری، قاسم. مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان با تأکید بر نظر امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۴. حبیبی، نادر. فساد اداری، تهران، وثقی، ۱۳۷۵.
۱۵. خدمتی، ابوطالب. مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۱۶. خلیج، محمد. مبانی آینده‌پژوهی و جایگاه آن در ایران و چند کشور جهان، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲.
۱۷. خمینی (ره)، روح‌ا... رهبر کبیر انقلاب، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه نشر و آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.
۱۸. خمینی (ره)، روح‌ا... رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، جهاد اکبر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۵.
۱۹. خمینی، سیدحسن. اخلاق و سیاست در سیره علوی از دیدگاه امام خمینی (ره) (مجموعه مقالات)، تهران، عروج، ۱۳۹۳.
۲۰. رابرت تسون، دیوید. فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه: عزیز کیاوند، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۵.
۲۱. رفسنجانی، اکبر هاشمی و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۲. سجاد، سیدجعفر. فرهنگ معارف اسلامی (ف-ی)، تهران، کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۲۳. سیدرضی، نهج البلاغه پارس، ترجمه سیدجمال‌الدین دین‌پرور، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹.
۲۴. شایان‌مهر، علیرضا. دائره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب پنجم، تهران، کیهان، ۱۳۸۵.
۲۵. شرح حدیث جنود عقل و جهل متن ۲۵۴ فصل نهم در ذکر علاج غضب، در حال سکونت نفس به قلع ماده آن، و علاج اسباب مهیجه آن
۲۶. شعبانی، مهدی و روح‌ا... گایینی، نصیحت‌های شیطان، تهران، محمد امین، ۱۳۹۱.
۲۷. صالح‌نژاد، حسن. درآمدی بر ابزار و شاخص‌های کارآمدی حکومت، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴.

۲۸. عابدینی، آرش. بررسی مسئله قانون و قانونگذاری (با محوریت اندیشه امام خمینی (ره)). تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱.
۲۹. علیزاده، حسن. فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، روزنه، ۱۳۸۱، چاپ دوم.
۳۰. علی محمد حق‌شناس، حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷، چاپ هشتم.
۳۱. فرجاد، محمدحسین. بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۳۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۳۳. قرائتی، محسن. تفسیر نور، جلد نهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۳۴. قزوینی، سید محمد کاظم. امام علی (ع) از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کرمی، قم، دلیل، ۱۳۷۹.
۳۵. قوانین جزایی با تمام اصلاحات، تهران، فردین و برادر، ۱۳۱۷.
۳۶. گلی حجتی، سیدمهدی. گلی از بوستان خدا، قم، بخشایش، ۱۳۸۴.
۳۷. مصطفوی، حسن. تفسیر روشن، جلد یک، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۳۸. مطهری، مرتضی. سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۵.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، جلد هشتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۰. میرشکاری، اصغر. قانون و قانونگرایی در سیره امام خمینی (ره)، تهران، عروج، ۱۳۹۳.
۴۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیک، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۴۲. نوروزی خیابانی، مهدی. فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، چاپ هفتم، ۱۳۷۷.
۴۳. همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل. فساد مالی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۴۴. هیوود، اندرو. ترجمه امیر ارجمند، اردشیر موالی‌زاده و سید باسم، کلید واژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۵۴۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درآمدی بر مسئله فساد

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: محمد توکلی

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. فساد

۲. فساد سیاسی

۳. فساد اقتصادی

۴. فساد اداری

۵. فساد مالی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۹/۲